

از انتشارات انجمن «علمی-مذهبی» دانشگاه آذربایجان

نشریه شماره ۲۳

آموزش و پرورش اسلامی

(۲)

پیدایش سواد و کتاب و کتابخانه در اسلام

از :

دکتر ابوالفضل عزتی

آفچه تاکنون از طرف این انجمن منتشر شده است :

- ۱- نشریه شماره ۱ « اهمیت روزه از نظر علم روز » جلد اول (تفصیل دو جلسه سخنرانی دکتر صبور اردوبادی در انجمن)
 - ۲- نشریه شماره ۲ منتخبی از کلمات قصار و تاریخچه زندگی حضرت رضا (ع)
 - ۳- نشریه شماره ۳ « علی (ع) داور داد پرور » از زین العابدین زاکری
 - ۴- نشریه شماره ۴ « اهمیت روزه از نظر علم روز » جلد دوم
 - ۵- نشریه شماره ۵ « ایده آل زندگی و زندگی ایده آل » از محمد تقی جعفری
 - ۶- نشریه شماره ۶ « معمای عادت - جلد اول عادت روحی » از دکتر صبور اردوبادی
 - ۷- نشریه شماره ۷ چاپ دوم « اهمیت روزه از نظر علم روز » هر دو جلد یکجا بایک فصل اضافی مربوط به آمار (توسط شرکت انتشار به چاپ رسیده)
 - ۸- « اسلام و قوانین فطرت » از زین العابدین زاکری
 - ۹- « منتخبی از سخنان حضرت علی (ع) » بمناسبت عید غدیر ۱۳۸۹
 - ۱۰- « سهم اسلام در تمدن جهان » از دکتر صاحب الزمانی
 - ۱۱- « نقش شخصیتها در تاریخ » از محمد تقی جعفری
 - ۱۲- « گفتار حکیمانه » بمناسبت عید فطر ۱۳۹۰
 - ۱۳- « تعاون در جامعه صنعتی و در اسلام » از دکتر خدایار محبی
 - ۱۴- « نظری به فلسفه احکام » از دکتر صبور اردوبادی
 - ۱۵- « خداشناسی و علوم تجربی » از سعید رجائی
 - ۱۶- « انسان یا شاهکار خلقت » از دکتر ابوتراب نفیسی
 - ۱۷- « تعلیم و تربیت اسلامی » از دکتر ابوالفضل عزتی
 - ۱۸- « زنده جاوید و اعجاز جاویدان » از مهندس سادات
 - ۱۹- نشریه شماره ۱۹- « هم آهنگی حقوق اسلامی با احتیاجات روز » از دکتر ابوالفضل عزتی
 - ۲۰- نشریه شماره ۲۰- « هنر انسان بودن » . از دکتر صبور اردوبادی
 - ۲۱- نشریه شماره ۲۱- هنر انسان بودن (کتاب دوم - دبستگی بغیر) از دکتر صبور اردوبادی
 - ۲۲- نشریه شماره ۲۲- « سرمایه تاراج رفته » از مهندس محمد علی سادات
 - ۲۳- آموزش و پرورش اسلامی « جلد دوم » از دکتر ابوالفضل عزتی
- سایر انتشارات انجمن که بوسیله ناشرین دیگر منتشر شده
- * اصالت در هنر - و - علل انحراف احساس هنرمند - از دکتر صبور اردوبادی (ناشر : دانشگاه تبریز . ناشر چاپ دوم : شرکت سهامی انتشار - تهران)
 - * بررسی فرآورده های الکل از نظر فقه اسلامی . از دکتر صبور اردوبادی (ناشر : دارالتبلیغ اسلامی - قم)
 - * گسترش جهانی اعتیاد بمواد مخدر . از : دکتر صبور اردوبادی (ناشر ، دارالتبلیغ اسلامی - قم)

از انتشارات انجمن «علمی-مذهبی» دانشگاه آذربایجان

نشریه شماره ۲۳

آموزش و پرورش اسلامی

(۲)

پیدایش سواد و کتاب و کتابخانه در اسلام

از :

دکتر ابوالفضل عزتی

قیمت با کاغذ اعلیٰ ۳۰ ریال

« معمولی ۱۵ ریال

این کتاب در دو هزار نسخه از طرف انجمن « علمی - مذهبی » دانشگاه آذربایجان

در خرداد ماه ۱۳۵۳ در چاپخانه خورشید به چاپ رسید

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	مقدمه مؤلف
	فصل اول :
۷	پیدایش و تطور سواد خواندن و نوشتن در اسلام
	فصل دوم :
۳۲	کتاب و کتابخانه
۴۲	وقف کتاب
۵۱	انواع مختلف کتابخانه در اسلام

پیشگفتار

بر صاحب نظران پوشیده نیست که بررسی دستورات و تعالیم آسمانی از افق عقل و علم بشری امری است بس مشکل و اقدامی است بس ارزنده و بگواهی حاصل تبیعات ممتد اعصار و قرون متمادی دانشمندان و محققان و صاحب نظران در تعالیم اسلام، هردانشمند و هر محقق در این اقدام نتوانسته است چندان توفیقی حاصل کند و با احیاء دستورات اسلامی اثری زنده و جاودانی از خود باقی گذارد، و اغلب دانشمندان نمایانی هم که آثاری را در این زمینه ارائه کرده اند نه تنها موجب احیاء و تثبیت مقام شامخ تعالیم آسمانی اسلام در جهان علم نشده و به بقاء و دوام اثرات مفید و مثبت آنها در جامعه بشری كمك نکرده است، بلکه چون اغلب حاصل تعبیرات و تأویلاتی بی اساس و تفسیراتی خودسر و بلا حقیقت بوده و فقط ظاهر بینان و عوام فریبان را اقناع مینموده اند، از اینرو این قبیل آثار چند صباحی بیش دوام نکرده و بمرور از بین رفتند و اعتبار دستورات حقّه آسمانی را نیز با خود بردند و آن امتیاز ظاهری و توفیق عوام پسند گذری، بالاخره بضرر و شکست بزرگ و بی اعتباری عمیق احکام و تعالیم آسمانی از نظر عقل و علم منجر گردید. از اینرو است که هرائر علمی و تحقیقی در مورد تعالیم آسمانی را نمیتوان يك اثر مفید و مؤثری بشمار آورد بلکه چه بسا چنان اثری ممکنست يك بررسی سطحی و متعصبانه آنها از يك جهت خاص و معینی بوده و چندان هم مفید و منشاء اثر نباشد. بطور کلی تحقیق و تفسیر احکام آسمانی دو وجه یا دو اثر و نتیجه بیش ندارد: وقتی متکی

به اصول علمی و مسلمات عقلی صورت گیرد ارزش موضوع تعالیم و احکام را در پیش اهل علم و صاحب نظران بالا میبرد و وقتی که متکی بر تعصبات و برهوس فضل فروشی و شهرت طلبی بود، نتیجه‌ای جز ضایع ساختن و نابود کردن و بابتدال کشاندن مقدسات نخواهد داشت. مؤلف محترم در تجزیه و تحلیل مسائل اسلامی از جهات رشته‌های چندی که خود در آن رشته‌ها بسرحد تخصص تحصیل و تحقیق داشته‌اند، در موضوع مورد بحث خود به بهترین وجه مراتب ممکنه از افق علم روز پرداخته و دید وسیعی از تفوق‌های این مکتب آسمانی در برابر خواننده ایجاد مینمایند. کتاب حاضر دنباله تالیف قبلی مؤلف محترم تحت عنوان «تعلیم و تربیت اسلامی» (نشریه شماره ۱۷ انجمن) و جلد دوم همان کتاب است که باصطلاح روز «آموزش و پرورش اسلامی» نامگذاری گردیده است و بتوفیق الهی امید است بزودی جلد سوم و چهارم آن نیز بترتیب از طرف انجمن چاپ و در اختیار علاقمندان قرارگیرد و چون صرف نظر از اهمیت فوق‌العاده موضوع و ارزش تحقیقاتی تألیفات مذکور متأسفانه باوجود گذشت زمان بس طولانی، حتی طی اعصار و قرون متمادی از زمان ظهور اسلام تاکنون در این زمینه از طرف دانشمندان تحقیقات اصولی و بررسی‌های مستند و منطقی ارائه نگردیده و یا حداقل در سطحی عرضه نشده است که مطابق بانیازهای جامعه معاصر باشد، بدین جهت انجمن علمی - مذهبی دانشگاه باجلب موافقت مؤلف محترم در صدد انتشار آثار ارزنده مذکور بصورت نشریاتی (در ۴ نشریه متوالی که قبلا یکی از آنها منتشر شده است) از سری انتشارات این انجمن برآمد و برای اینکه خوانندگان و علاقمندان گرامی به این سلسله از نشریات انجمن باسوابق کار مطالعات مشارالیه آشنایی داشته باشند و اهمیت تألیفاتشان که از روی علم و اطلاع و احاطه لازم از هر دو جنبه علمی و دینی صورت گرفته است معلوم گردد. لازم دیدیم که مختصری به سوابق تحصیلات و مطالعاتشان اشاره شود:

مؤلف محترم پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه در ایران تحصیلات

عالی خود را در رشته فلسفه اسلامی ادامه دادند و سپس تحصیلات خود را در رشته حقوق در دانشگاه لندن پایان رسانده و در سال ۱۹۶۵ موفق باخذ P. G. D. نایل و سپس در سال ۱۹۶۷ موفق باخذ P. G. D. از دانشگاه «ردینگ» انگلستان در آموزش و پرورش شدند و سپس مدت یکسال در دانشگاه «ردینگ» انگلستان در زمینه آموزش و پرورش به تدریس پرداختند و پس از مراجعت بایران نیز ضمن تدریس در دانشگاه تهران تحقیقات و مطالعات خود را در زمینه‌های مختلف تعلیم اسلامی ادامه میدهند که یکی دیگر از آثارشان نیز در آینده نزدیک از طرف انجمن تحت عنوان «پیدایش و گسترش ادوار حقوقی اسلام» و یکی دیگر نیز تحت عنوان «علل گرایش باسلام در عصر حاضر» منتشر خواهد شد. انجمن توفیقات مؤلف گرانمایه را در زمینه‌های علمی و معنوی از درگاه حضرت احدیت خواستار است.

انجمن «علمی - مذهبی» دانشگاه تبریز

مقدمه مؤلف

جامعه شناسی عمومی و جامعه شناسی آموزشی رابطه مستقیم آموزش را با جنبه های مختلف زندگی اثبات و توجیه نموده است ، گذشته از این آموزش و پرورش در معنی عام خود با دین يك جامعه ، ارتباطی بسیار نزدیک دارد . رابطه بین اسلام به عنوان يك دین و پایه گذار تفکرات اجتماعی يك جامعه نیز با آموزش و پرورش اسلامی از قانون فوق مستثنی نیست . نظارت اسلام بر کلیات و جزئیات ، رفتار ، پندار و گفتار فرد و اجتماع بیان کننده پیوند و ارتباط قوی و مستقیم آموزش و پرورش اسلامی با دین اسلام و تفکرات مختلف ، و از جمله جنبه های اجتماعی جامعه مسلمان است . بهر صورت آموزش و پرورش هر ملت و دینی (از جمله اسلام و جامعه مسلمان) اگر تمام فرهنگ و تمدن آن ملت و دین را تشکیل ندهد و اساس آن نباشد ، بدون شك وسیله ایجاد قسمت عمده پایه های فرهنگ و تمدن آن ملت و دین بوده و از اساسی ترین عوامل فرهنگی است . تأسیس جامعه مسلمان بوسیله اسلام بدون توسل بیک نظام مستقل آموزش و پرورش امکان پذیر نبود .

پیدایش فرهنگ ، تمدن و معارف اصیل و عمیق اسلام از يك طرف و رشد و تطور فرهنگ و تمدن های بیگانه و علوم در آغوش جامعه اسلامی از طرف دیگر ، نمیتوانست و نمیتواند بدون وجود وسیله ای متناسب و راه و روشی مخصوص و آموزش و پرورش اصولی ، که این کار را تسهیل نماید ، صورت گیرد . اسلام مسلماً دارای نظام های مستقل حقوقی ، کلامی ، اخلاقی ، سیاسی ، مالی ، قضائی و

اقتصادی مخصوص بخود است که با نظام‌های مشابه جوامع و ادیان دیگر کاملاً مغایر و متفاوت است و بی‌شک پیدایش این نظام‌های مختلف بدون وجود يك نظام مستقل تعلیم و تربیت امکان پذیر بنظر نمیرسد .

قسمت عمده فلسفه اسلام را فلسفه آموزش و پرورش اسلام تشکیل میدهد و دستورات و احکام فقهی و شرعی و موازین اخلاقی قسمتی از اصول آموزش و پرورش اسلامی میباشد و روش‌های تعلیم و تربیت اسلام در کلیه معارف اسلامی پراکنده و سازنده آن معارف است .

بررسی قرآن بطور کلی و تعمق و غور در اصطلاحات آموزشی در آن مانند علم ، فکر ، قلم ، مداد ، کتاب و کتابت و حواس و مانند آنها به آسانی ما را به این حقیقت رهبری مینماید که آموزش و پرورش یکی از مهمترین هدفهای اساسی مورد توجه در قرآن است و تحقیق در معارف اسلامی مخصوصاً فقه این مطلب را روشن می‌نماید که اهداف آموزشی قسمت مهمی از اغراض شارع را در تشریع احکام تشکیل میدهد . بهر صورت قسمت عمده قرآن بحث و بررسی مسائل مربوط به تعلیم و تربیت انسان مؤمن و جامعه مسلمان است و پیامبر و رهبران اسلام بعنوان معلمان جامعه معرفی شده‌اند و سنت و سیره آنان چگونگی پرورش و موازین آموزشی در اسلام را پیشنهاد مینماید . بنابراین غور و بررسی در منابع اسلامی و محتویات اسلام و مقایسه نظام تعلیم و تربیت اسلامی با سیستم‌های مختلف آموزش و پرورش کاملاً روشن می‌کند که اسلام دارای يك نظام آموزش و پرورش مستقل مشخص با فلسفه ، اهداف ، اصول ، مبانی و شیوه و روش معین و متناسب است .

چنین آموزش و پرورش مستقل و مشخصی بدون شك برای توسعه خود ، (همانطور که روشن و آشکار است) و برای انتشار معارف اسلامی و انتقال علوم به اسلام (همانطور که امروز از مسلمانات تاریخ است) روش‌ها و راه‌ها و وسایل خاصی بوجود آورد و از امکانات موجود نیز استفاده کرد . اولین و مهمترین

وسیله‌ای که در آموزش و پرورش اسلامی مورد استفاده قرار گرفت سواد خواندن و نوشتن و کتاب و کتابخانه بود. بدون شك توسعه سواد خواندن و نوشتن در سطح همگانی در اسلام با سرعتی بس فوق‌العاده صورت گرفت بطوری که احتیاجات اولیه جامعه مسلمان را از این نظر برای ایجاد نهضت علمی و تحولات فرهنگی در مدتی کمتر از نیم قرن امکان پذیر نمود. پیدایش کتاب و کتابخانه نیز در اسلام و جامعه مسلمان بحدی سریع صورت گرفت که نه تنها پس از گذشت در حدود نیم قرن در جامعه اسلامی کتابخانه بوجود آمد و عملاً تأسیس شد بلکه امر جمع‌آوری کتاب‌های بیگانه از مناطق مختلف جهان متمدن آن دوره بوسیله مسلمانان (بدانسان که در متن کتاب می‌آید) آنچنان باشور و علاقه‌ای دنبال شد که بزودی مقدمات نهضت ترجمه را در اسلام فراهم نمود. توجه به سواد خواندن و نوشتن بعنوان یکی از وسایل آموزش و پرورش اسلامی و پیدایش کتاب و کتابخانه در اسلام دو موضوعی است که به خاطر اهمیت آنها در این کتاب مورد بحث و مطالعه قرار گرفته و به اختصار بررسی میشود.

در اینجا لازم به یادآوری است که ارتباط مسائل مختلف آموزش و پرورش بایکدیگر ضمن مطالعه قسمت اول این سلسله تحقیقات (که طی نشریه شماره ۱۷ انجمن) که قبلاً منتشر شده است و هم‌چنین قسمتهای سوم و چهارم و . . . را که بعداً منتشر میشوند خود بخود روشن و مسلم میگردد. امید است خواننده گرامی و علاقمند قضاوت در مطالب کتاب حاضر و استنباط و استنتاج لازم را موکول ببعد از مطالعه کامل هر چهار نشریه نماید.

دکتر ابوالفضل عزتی

فصل اول

پیدایش و تطور سواد خواندن و نوشتن در اسلام

آموزش و پرورش در معنی علمی خود که معادل با Education است با سواد خواندن و نوشتن Literacy کاملاً متفاوت است. هر چند خواندن و نوشتن زمانی تنها وسیله و اینک در جهان معاصر یکی از مهمترین وسایل آموزش و پرورش است^۱ ولی خود آموزش و پرورش نیست، با وجود این بعلمت اهمیت فراوان در آموزش و پرورش بطور کلی نمیتوان آموزش و پرورش يك ملت و دین را بدون بررسی وضع سواد (خواندن و نوشتن) در آن ملت و دین مطالعه نمود. به این جهت در بررسی خود از آموزش و پرورش اسلامی بناچار وضع خواندن و نوشتن را در اسلام باختصار بررسی می‌کنیم.^۲

۱- بعلمت پیدایش وسایل مختلف آموزش و پرورش مانند وسایل سمعی و بصری و غیره خواندن و نوشتن اینک یکی از وسایل آموزش و پرورش بحساب می‌آید، در آموزش و پرورش سنتی نیز وسایل آموزشی بر چهار نوع به ترتیب زیر تقسیم می‌شدند:

اول - خطوط (خواندن و نوشتن) دوم - علائم سوم - قراردادها

چهارم - اشارات ولی با وجود این خواندن و نوشتن تنها وسیله مهم آموزش و پرورش بود.

۲- برای بررسی مفصل فرق بین آموزش و پرورش و سواد خواندن و نوشتن رجوع شود

به نشریات یونسکو در مورد سواد یا Unesco, Literature on Literacy

بررسی وضع خواندن و نوشتن در اسلام مانند امور دیگر با بررسی آن در محل ظهور و پیدایش اسلام (عربستان) قبل از طلوع اسلام آغاز می گردد : زندگی مردم عربستان از يك طرف و موقعیت طبیعی عربستان از طرف دیگر اقتضای ضرورت سواد را نمی نمود . نظام قبیله‌گی با مشخصات خود که بر اساس پدر خانواده‌گی (Tribal System based on pater family) استوار بود و اینکه قبایل همواره در حال کوچ کردن بودند و خانه و مسکن ثابت مستقری از خود نداشتند موجب عدم امکان توسعه خواندن و نوشتن در بین آنان بود .

سواد خواندن و نوشتن در درجه اول در بین جوامع شهری، فشرده ، متمدن ، مرتبط و ساکن توسعه می یابد .

با وجود امکاناتی که تمدن معاصر در مورد توسعه خواندن و نوشتن بوجود آورده است هنوز هم جوامع روستائی جهان از سواد خواندن و نوشتن کامل برخوردار نیستند و همواره فاصله بین سطح سواد و اختلاف میزان با سوادان در جوامع شهری و روستائی بحال خود باقی مانده است . این مسئله در مورد قبایل در حال کوچ بهتر صدق می نماید تا چه رسد که این قبایل در حال کوچ همواره با یکدیگر در حال کشمکش و نزاع باشند و رابطه بین آنان تنها رابطه جنگ و ستیز باشد نه ارتباط سازنده مثبت . سواد یکی از وسایل ارتباط مثبت است و در صورتی که زمینه این ارتباط وجود نداشته باشد ضرورتی برای سواد و انتشار آن وجود نخواهد داشت و زندگی قبیله‌گی قبایل عرب در حال کوچ که همواره با یکدیگر در حال ستیز بودند تنها آن چه را به تحکیم آن نوع زندگی کمک می نمود ایجاب می کرد . به این جهت بود که اطلاعات مربوط به انساب و قیافه در بین این اعراب رواج داشت چون از این طریق می توانستند حد و مرز نسبی قبیله‌گی خود را در داخل قبایل حفظ نمایند . و از آمیزش قبایل با یکدیگر و از ادغام آنان در یکدیگر جلوگیری نمایند . چون به علت هوای گرم و خورشید سوزان قبایل در شب کوچ می کردند و

برای راهنمایی از موقعیت ستارگان استفاده می نمود و به ستارگان تفال می زدند منجمی و ستاره شناسی در بین آنان متداول بود .

موقعیت طبیعی شبه جزیره عربستان نیز، جز در قسمت کوچکی، به عدم تمرکز جمعیت و به پراکندگی آنان ، که زمینه اصلی لازم برای پیدایش و توسعه سواد است کمک می کرد . شبه جزیره عربستان که در خط استوا قرار دارد از گروه سرزمینهای است که دارای هوای گرم و خشک است و زمین آن نیز شایستگی کشاورزی ندارد (شن) و آب در آن کمیاب است . در زمان ظهور اسلام و قبل از آن کم آبی در این منطقه بسیار شدید بود باین جهت در اختیار داشتن چاه آب از سرمایه های بزرگ قبایل بشمار میرفت و بر اساس همین مسئله بود که منصب سقایت زائران کعبه از مناصب مهم و به قبیله بزرگ قریش تعلق داشت . با این ترتیب حتی امکان تأسیس جامعه روستائی نیز در عربستان وجود نداشت تا چه رسد به تأسیس جوامع شهری .

در مورد موقعیت سیاسی و ارتباط اعراب با جوامع متمدن و غیر متمدن آن زمان نیز می توان گفت که اعراب در نوعی عزلت بسر میبردند . جهان متمدن و غیر متمدن زمان قبل از ظهور اسلام بین دو امپراطوری ایران و روم تقسیم شده بود و نیروی سومی وجود نداشت . این دو امپراطوری سرزمینهای حاصل خیز آن زمان را بین خود تقسیم کرده بودند و بایکدیگر در جنگ و زد و خورد و رقابت بودند . بعضی از سرزمینهای حاصلخیز چندین بار بین این دو امپراطوری دست بدست می گشت، مانند سرزمین هلال خضیب . رقابت این دو قدرت در مورد تصاحب سرزمینها بیشتر بر اساس استعمار و استثمار سرزمینهای تحت سلطه آنان و میزان حاصل خیزی آن اراضی استوار بود . شبه جزیره عربستان بعلت عدم قابلیت کشت و عدم امکان استثمار از رقابت دو امپراطوری در امان و مصونیت بود و در عزلت بسر می برد و با جهان معاصر آن زمان رابطه ای نداشت . گذشته از این نظام قبیله گری عربستان اجازه تأسیس دولت مستقل را به اعراب نمی داد تا از این طریق با جوامع و ملل دیگر

رابطه‌ای برقرار شود.^۱

با این ترتیب اعراب شبه جزیره عربستان نه بین خود رابطه و الفت داشتند و نه با جوامع متمدن و غیر متمدن خارج آمیزش و ارتباطی داشتند. بنابراین هیچ گونه عاملی که پیدایش و توسعه سواد را در بین آنان ایجاب نماید وجود نداشت. به این جهت تنها وسیله ارتباط بین اعراب مکالمه بود و زبان کتبی رایج وجود نداشت بلکه تبادل اطلاعات در بین آنان از راه شفاهی صورت می گرفت. به این جهت بود که حافظه وقوه ذاکره (یادآوری) در بین آنان قوی بود. شعرا برای جلوگیری از فراموشی شعر خود از افرادی که به نام «راوی» شهرت داشتند و در حفظ شعر مهارت داشتند استفاده می نمودند این «راوی» ها کار دیوان را در قرون وسطی و یا بایگانی را در زمان معاصر انجام می دادند و اشعار را از حفظ می نمودند.^۲ از خط کتابت و سواد اثر فراوانی وجود نداشت. قدیمی ترین نقشی که شبیه خط است و از عربستان قبل از ظهور اسلام باقی مانده است نقشی است که برگور امرء القیس از ملوک کنده برجای مانده است. و قدیمی ترین نوشته‌ای که از عربستان مرکزی قبل از اسلام باقی مانده است محتملا سبعة معلقه یا قصائد هفتگانه مشهور است. با این ترتیب بساطت زندگی آنان موجب بساطت فرهنگ آنان بود و افتخاری را که می بایست از طریق کتابت کسب نمایند از راه سخن و شعر که براساس زبان شفاهی استوار بود کسب می نمودند.

عدم وجود زبان کتبی موجب پیدایش لهجه‌های فراوان در زبان عربی شفاهی شده بود و هر قبیله لهجه مخصوص بخود را بکار می برد و لهجه قبیله قریش از اصالت

۱- محمود العقاد، الاسلام فی القرن العشرين، ص ۷-۱۰.

۲- برای بررسی بیشتر در مورد خط و تاریخ آن در اسلام رجوع شود به، سهیله یاسین

الجبوری، الخط العربی بغداد ۱۹۶۲.

خاصی برخوردار بود.

در این جا لازم است متذکر این نکته شویم که اصطلاحاتی مانند ، مداد (ولو كان البحر مدادا لكلمات ربه)^۱ ، كتاب (كتاب فصلت آیاته)^۲ و لوح (بل هو قرآن فی لوح محفوظ)^۳ و قلم (الذی علم بالقلم)^۴ که حکایت از آشنائی اعراب با اصطلاحات کتابت و قرائت (خواندن و نوشتن) داشته‌اند در قرآن بطور مکرر بکار برده شده‌اند ولی استعمال این اصطلاحات در قرآن بهیچ وجه دلالت بر سابقه طولانی وجود زبان کتبی در بین اعراب و رواج خواندن و نوشتن ندارد ، هر چند بعضی مدعی شده‌اند که در عربستان قبل از اسلام حتی مکتب نیز وجود داشته است^۵.

تنها جامعه نسبتاً شهری و فشرده عربستان که با قبایل ازبک طرف و با خارج از عربستان بعلت « رحلة الشتاء و رحلة الصيف » از طرف دیگر دارای رابطه بود، جامعه مکه بود که گاه‌گاه قافله‌ای تجارتی از آن‌جا دیدن می‌کرد و یا از آن‌جا قافله‌ای تجارتی به خارج (یمن و شام) مسافرت می‌نمود . تجارت در قبیله قریش ، تقریباً منحصر بود و از این قبیله بود که قافله‌های تجارتی به شام مسافرت می‌نمود و از این طریق بین شبه جزیره عربستان و خارج رابطه‌ای که در بعضی موارد کتبی نیز بود

۱- سوره کهف آیه ۱۸

۲- فصلت آیه ۴۱

۳- بروج آیه ۸۵

۴- اقرء آیه ۴

۵- امرء القیس نیز در اشعار خود اصطلاحاتی را بکار برده مثلاً «خط» لمن طلل ابصرته

فشجانی کخط الزسورمی عسیب یمانی

M. Nakhosteen, History of Islamic origins in Western Education, p. 48

برقرار می‌شد . باوجود این حتی در همین قبیله قریش در زمان ظهور اسلام تنها ده نفر و اندی خواندن و نوشتن می‌دانستند^۱ و بنا به گفته یکی از دانشمندان در سرتاسر عربستان تنها ده نفر و اندی خواندن و نوشتن می‌دانستند^۲ . بااین ترتیب عربستان پیش از اسلام تقریباً در بیسوادی کامل بود و حتی زبان کتبی و خط نداشتند . (البته اعراب یمن و جنوب شبه جزیره عربستان دارای آثار کتبی و نقوش بودند ، یهودیان ساکن عربستان نیز با کتابت آشنائی داشتند) .

گفته شده است که کمی پیش از اسلام حرب ابن امیه و پسرش ابوسفیان خط عربی را از سوریه به حجاز وارد کردند و این حرب بود که برای اولین بار خط عربی را تحت نظم و انضباط در آورد و به آن سروصورت داد و این خود از مفاخر بنی‌امیه است^۳ . گفته شده است کسانی که در زمان ظهور اسلام خواندن و نوشتن می‌دانستند عبارت بودند از علی (ع) ، عثمان ، خالد ابن سعید ، ابی ابن کعب ، زید ابن ثابت ، معاویه ابن ابی سفیان ، مغیره ابن شعبه بودند که به امور کتابت وحی پرداختند اگرچه گفتار در مورد کتابت قرآن بسیار فراوان و متشتت است و روایاتی که در این مورد آمده است متعارض و گاهی متضاد و متناقض می‌باشند ولی از مجموع روایات و آراء چنین استفاده می‌شود که کتابت قرآن مسلماً در زمان پیامبر آغاز شد هر چند تاریخ تنظیم و جمع‌آوری آن بصورت بین‌الدفتین فعلی چندان روشن و قطعی نیست^۴ . گفته شده است که خود پیامبر دستور کتابت قرآن را صادر نمود و کتاب

۱- محمد ماهر حماده ، المکتبات فی الاسلام ، ۱۹۷۰ ، ص ۱۲ .

۲- جرجی زیدان ، تاریخ التمدن الاسلامی چاپ سوم ج ۱ - ص ۲۳۵ ، بلاذری

فتوح البلدان ۴۷۷ .

۳- کرد علی ، الاسلام والحضارة العربیه ص ۷۲ چاپ دوم .

۴- رجوع شود به تواریخ قرآن در مورد جمع‌آوری قرآن بوسیله عثمان .

وحی را تعیین کرد . کُتاب وحی که از ابتدا شروع به کتابت قرآن نمودند هفت نفر بودند ولی تا آخر زندگی پیامبر تعداد آنان تقریباً به چهل نفر رسید ^۱ .

گفته شده است که کتابت وحی در زمان پیامبر حتی بر روی پوست آهو نیز صورت می گرفت و نامه های رسمی پیامبر بر پوست آهو بوده ^۲ .

در زمان ظهور اسلام بعثت کم بودن تعداد افراد با سواد پیامبر مردم را به حفظ نمودن قرآن تشویق می نمود تا این که پیامبر عده ای را به امر « کتابت وحی » و نوشتن قرآن مأمور نمود . این عده به « کُتاب وحی » شهرت یافتند و عبارت بودند از افرادی که از آنان یاد شد ^۳ . بانزول قرآن و ظهور اسلام مسئله خواندن و نوشتن در عربستان رنگ و اهمیت خاصی بخود گرفت زیرا در جامعه ای که در بیسوادی کامل بسر میبرد کتاب (قرآن) به عنوان معجزه رسالت فردی که خود بیسواد بود (محمد ص) معرفی شد و از جوامع محترم به عنوان « اهل الکتاب » یاد می شد با این ترتیب اولین کتابی که در زبان عربی نوشته شد قرآن بود و بهمین جهت قرآن اولین کتاب خواندنی نیز بشمار می آید . با این ترتیب تاریخ رسمی خواندن و نوشتن در اسلام و در عربستان با تاریخ کتابت و قرائت قرآن آغاز می شود . مخصوصاً که نزول خود قرآن با کلمه قرائت آغاز شد . « اقرء باسم ربك الذی خلق » ^۴ .

ولی با وجود توصیه ها و تشویق هایی که اسلام و پیامبر در مورد قرائت و کتابت می نمودند مشکلات فراوانی در راه توسعه سواد وجود داشت که مهمترین آنها عبارت بودند از :

1- Blacher, Intra, cer. p.

۲- کرد علی ، الاسلام والحضاره العربيه ، قاهره ۱۹۵۰ ج ۱ ص ۱۷۶ .

۳- جهشیاری ، کتاب الوزراء ص ۱۲ .

۴- قرآن ، سوره اقرء

- ۱- عدم وجود زبان کتبی در سطح عمومی .
 - ۲- عدم وجود سنت خواندن و نوشتن بعلت عدم اقتضای زندگی و محیط طبیعی و سیاسی عربستان .
 - ۳- عدم وجود مواد خواندنی و نوشتنی . قبل از اسلام مواد خواندنی اصلاً وجود نداشت و پس از اسلام قرآن تنها کتابی بود که بعنوان اولین کتاب آموزش خواندن و نوشتن بعلت دشواری قرائت و کتابت آن مناسب نبود .
 - ۴- عدم وجود معلم کافی ، وسیله نوشتن (کاغذ و مرکب و غیره) .
 - ۵- دشواری زبان عربی برای کتابت و قرائت بعلت عدم وجود الفای منظم قابل کتابت و خواندن .
- لازم است که یادآوری شود که خواندن و نوشتن مانند خود آموزش و پرورش در اسلام از تعلیم خواندن و نوشتن قرآن در مورد بزرگسالان آغاز شد و در ابتدا مسئله آموزش و خواندن و نوشتن اطفال مورد توجه نبود تا اینکه پس از مدتی که اسلام گسترش یافت پیامبر دستور داد از اسرای جنگی با سواد به عنوان معلم برای تعلیم خواندن و نوشتن کودکان استفاده شود و مقرر فرمود هر اسیری که ده کودک را با سواد کند از قید اسارت آزاد شود^۱ و این مکاتب اولین مکاتب ابتدائی در اسلام بودند .
- هدف اولیه آموزش خواندن و نوشتن در اسلام ابتدا کتابت و قرائت قرآن بود هر چند پیامبر از بعضی کتاب و حی بعنوان منشی نیز برای نوشتن و ارسال نامه های خود برای رؤسای قبایل و سلاطین و ملوک استفاده نمود .^۲

۱- صبح الاعشی ج ۳ ص ۱۴ .

۲- از نامه های پیامبر سه نامه وجود دارد برای تفصیل رجوع شود به سهیله یاسین ، الخط العربی ص ۲۸ تا ۳۴ .

پس از انتشار اسلام و تأسیس دیوان بیت المال از کتابت و قرائت در امور اداری نیز استفاده شد. علاوه بر پیامبر که از کُتّاب وحی بعنوان منشی استفاده می کرد خلفای راشدین نیز هر يك بنوبه خود منشیان مخصوصی داشتند :

عثمان و زید بن ثابت منشیان ابوبکر ، زید بن ثابت و عبدالله ابن ارقم منشی عمر ، مروان ابن الحکم منشی عثمان ، ابی عفان و شعبه ابن نمران و عبدالله ابن جعفر و عبدالله ابن رافع منشی علی (ع) بودند .

تا زمان علی (ع) زبان و خط عربی تقریباً شکل و فرم پیدا کرده بود و دارای دستور زبان ، رسم الخط و ضوابط شده بود . عبدالله ابن رافع نقل می کند که « روزی در حضور علی (ع) بودم . بمن فرمود دوات خود را لایقه کن ، نوک قلمت را اصلاح کن ، میان سطرها فاصله گذار و در نوشتن دقت کن و حرف ها را نزدیک یکدیگر بنویس^۱ » .

لازم است توجه شود که خواندن و نوشتن ابتدا در مکه و در قبیله قریش رواج یافت زیرا :

۱- قریش از مدتها قبل از اسلام بتجارت به سوریه و یمن که دارای سنت خواندن و نوشتن بودند سفر می کرد و خود پیامبر در یکی از این سفرها شرکت کرد .
۲- تولیت قریش از خانه کعبه و ارتباط با قبایل مختلف و مسافرت قریش در کاروان های تجارتی .

۳- متانت و اصالت لهجه قریش و برتری آن نسبت به سایر لهجه ها^۲ .

۱- جهشیاری ، کتاب الوزراء ص ۱۵ تا ۲۳ . از علی (ع) نقل شده است که

فرمود « الخط الحسن یزید الحق وضوحاً » (قلّشیدی ج ۳ ص ۲۴ - ۲۶) .

۲- از پیامبر نقل شده است که فرمود « قریش اهل الله وهم الکتبه الحسنه » الصولی

ادب الکتاب چاپ اول ص ۲۸ .

۴- نزول قرآن در مکه و قریش و قریشی بودن پیامبر (ص) .

۵- وجود بازارهای معروف عكاظ ، مجنه و ذی المجاز محل قرائت اشعار.
تطور خط عربی پس از اسلام موجب آن شد که خط و کتابت یکی از هنرهای مورد توجه قرار گیرد و بضمیمه آن يك سلسله هنرهای دیگر نیز بوجود آید مانند حاشیه نویسی ، تذهیب ، تصحیف و امثال آن . رشد این هنر به جایی رسید که قرآنهای نفیس در مساجد بمعرض تماشا گذارده شد .
تطور خط عربی از يك طرف با هنر اسلامی و از طرف دیگر با فرهنگ عربی عمومی و معارف اسلامی ارتباط مستقیم دارد زیرا خط عربی که خط جامعه ای ، تقریباً بی سواد بود به زودی زبان علمی و فرهنگی بین المللی گردید و بهمین دلیل حداقل توسعه و تکامل آن را می توان جزء مهمی از فرهنگ اسلامی دانست زیرا تکامل آن مسلماً مرهون نزول قرآن و علاقه مسلمین به کتابت آن بود و سپس توسعه و گسترش اسلام موجب علاقمندی ملل متمدن به تعلیم و تعلم آن گردید . بهمین جهت است که بعضی محققین این خط را اساساً خط اسلامی نامیده اند. سهم اسلام در توسعه خط و سواد خواندن و نوشتن در بین ملل دیگر بحدی شد که زبان و خط عربی جای زبانهای سریانی ، یونانی ، پهلوی ، قبطی و رومی را گرفت .^۱

بررسی خانواده زبان عربی ، محل پیدایش خط عربی ، چگونگی پیدایش و زمان پیدایش هر يك ، موضوعی است که احتیاج به بررسی کامل دارد زیرا صرف نظر از مورد اختلاف بودن این موضوعات ، بررسی دقیق آنها احتیاج به فرصت مناسب و مستقل دارد و بهر صورت بررسی آن بطور تفصیلی با موضوع تحقیق ما در این مقال سازگار نیست .^۲

۱- اسرائیل ویلفسون ، تاریخ اللغات السامیه ص ۱۹۶ .

۲- برای بررسی زمان و خط عربی رجوع شود به: محمد طاهر کردی، تاریخ الخط العربی ←

از آن‌جا که اطلاع از چگونگی پیدایش خط و کتابت و قرائت زبان عربی ما را در بررسی خود از تاریخ سواد خواندن و نوشتن در عربستان و اسلام رهبری می‌کند چگونگی پیدایش کتابت و قرائت در زبان عربی به اختصار بررسی می‌گردد . در این‌جا از بررسی معنی خط ، اقسام خط ، تاریخ پیدایش خط و کیفیت پیدایش خط بطور کلی صرف نظر می‌گردد و تنها به بررسی مختصر خط عربی می‌پردازیم . خط عربی یکی از بخشهای یکی از دو زبان منصرف بشمار میرود ، به این ترتیب که زبان صرفی به دو گروه تقسیم می‌شود :

۱- زبان هند و اروپائی که زبان مردم منطقه بزرگی از هند تا اروپا بود . و چون بررسی این زبان در اینجا ضرورت ندارد از اطاله کلام در مورد آن خودداری می‌شود .

۲- زبان سامی که در جنوب شبه جزیره عربستان پیدا شد و به نقاط دیگر منتقل گردید . زبان‌هایی که در این گروه قرار دارند عبارتند از :

۱- عربی

۲- عبری

۳- مصری

۴- آرامی

۵- سریانی

۶- بابلی

→ احمد رضا ، رساله الخط ، الصولی ، ادب الکتاب ، اسرائیل ویلفنسون ، تاریخ اللغات السامیه ، فخری السدین بک ، تاریخ الخط العربی ، یوسف احمد ، الخط الکوفی ، سهیله یاسین الجبوری ، الخط العربی و کتب فراوان دیگر که این موضوع را مستقیماً و مستقلاً بررسی کرده‌اند .

۷- فنیقی

۸- حبشی

از توضیح زبان‌های دیگر بعلمت عدم فرصت و تناسب کافی خودداری می‌گردد و تنها زبان و خط عربی مختصراً مورد توجه قرار می‌گیرد .

عبرانی‌ها از خط نژاد سامی دو الفباء مشابه ساختند که عبارت بودند از :

۱- نبطی

۲- پالمیری

از خط پالمیری خط سیرپاك ساخته شد و از ترکیب «خط نبطی و سیرپاك» خطوط عربی بوجود آمد و همین خط عربی بود که بعدها انتشار یافت^۱. بهر صورت خط عربی از پدیده‌های قرن چهارم و پنجم میلادی درسوریه می‌باشد و از راه تجارت از آن‌جا به شمال جزیره عربستان و سپس به حجاز رفت^۲.

خط عربی کوفی از تکامل خط سیرپاك بوجود آمد و بعلمت دشواری در کتابت چندان رواج نیافت ولی از خط نبطی خط نسخ اقتباس و بعلمت سهولت مورد توجه و استعمال قرار گرفت .

گفته شده است علت اشتهار این خط به خط نسخ آن بود که بعلمت سهولت در کتابت ، ناسخ خطوط دیگر و کوفی‌گردید و اینها را نسخ نمود.

خط کوفی ابتدا در منطقه حیره (کوفه) به عربستان رفت و باین جهت پس از اسلام به خط کوفی مشهور شد و گویا اولین کسی که خط کوفی را به جزیره العرب برد حرب بن امیه ابن عبد شمس بود هر چند مرارة ابن مره قبل از وی آنرا تحت

۱- عبدالمحمد خان ، پیدایش خط و خطاطان ، چاپ مصر ۱۳۲۵ ص ۶۲ .

۲- رجوع شود به سهیله یاسین الجبوری ، الخط العربی ص ب . البته اقوال چه در

تاریخ پیدایش ، چه در مورد ریشه و چه در مورد محل پیدایش خط عربی کاملاً متفاوت است .

ضابطه درآورده بود. پس از وی ابوطالب عم پیامبر، عفان ابن ابی العاص در خط کوفی مهارت یافتند و در زمان ظهور اسلام علی بن ابیطالب، عمر بن الخطاب، عثمان ابن عفان، ابی ابن کعب و زید ابن ثابت در آن شهرت یافتند. از خط کوفی در حدود ۱۲ خط دیگر بوجود آمد که همه کم و بیش بایکدیگر شباهت داشتند. با این ترتیب مشاهده میشود که صرف نظر از اعراب شمال و جنوب مردم شبه جزیره عربستان تا کمی قبل از اسلام با خط و کتابت و کتاب چندان آشنائی نداشتند. تنها در جوامع شهر نشین و هیئت‌های بازرگانی که از حجاز به شام و عراق مسافرت می‌نمودند تنی چند، کمی پیش از اسلام با خط و کتابت آشنائی یافتند.

همان طور که یادآوری شد خط نسخ بعلت سهولت‌اش نسبت به خط کوفی، رواج یافت و در مکاتبات معمولی و رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. آیات قرآن نیز برای نخستین مرتبه به خط کوفی نگاشته شد تا این که برای اولین بار ابن مقلا^۱ آن را به خط نسخ نگاشت.

لازم است گفته شود که اعراب در خطی که از سریانی و نبطی‌ها گرفتند تغییراتی بوجود آوردند از جمله حرکت و نقطه‌گذاری را در مورد آن بکار بردند.^۲

همان طور که قبلاً یادآوری شد معلومات و فرهنگ عربی قبل از اسلام شفاهی بود و از راه حفظ کردن صورت می‌گرفت. حتی شعرا نیز برای حفظ اشعار خود از حافظان حرفه‌ای که به «راوی» شهرت داشتند استفاده می‌نمودند. گفته شده است که يك يا چند شاعر يك راوی مخصوص داشتند که اشعار آنان را در حافظه حفظ و نگهداری می‌نمود. آثار قبل از اسلام جز «سبعة معلقة» به صورت شفاهی به مسلمین منتقل شد. اولین اثری که به صورت منظم در زبان عربی به کتابت درآمد قرآن

۱- ابوعلی محمد ابن علی ابن حسین بن مقلة بیضائی شیرازی متولد ۲۱ شوال ۲۷۲ در بغداد.

۲- عبدالمحمد خان، پیدایش خط خطاطان ص ۵۲۹، همائی تاریخ ادبیات ج ۲.

بود با این ترتیب کتابت رشمی کتاب در زبان عربی فعلی محتملاً از قرآن آغاز می‌گردد و بنابراین اطلاع مختصر از چگونگی کتابت قرآن می‌تواند ما را به کتابت و قرائت عربی آشنا کند .

قطعاً بعلمت اهمیت قرآن و اهتمام پیامبر به حفظ و نشر آن، وی عده‌ای را برای کتابت آن تعیین نمود . این عده به کتابت وحی شهرت یافتند . گفته شده است کتاب وحی در ابتدا عبارت بودند از:

علی ابن ابیطالب ، عثمان ابن عفان ، خالد ابن سلمیه ، ابی ابن کعب ، زید ابن ثابت ، معاویه ابن ابوسفیان و مغیره ابن شعبه که بعداً تعداد آنان حتی به چهل نفر رسید با این ترتیب می‌توان تقریباً استنباط کرد که نه تنها کتابت قرآن در زمان خود پیامبر آغاز شد بلکه خود وی دستور کتابت آن را نیز صادر فرمود . البته لازم است بین مسئله شروع کتابت قرآن و جمع و تنظیم آن بصورت فعلی فرق گذارده شود . هر چند در مسئله اول قطعیت نسبی وجود دارد . در مورد دوم اختلاف نظر فراوان است . عده‌ای از روایات و علماء معتقدند که حتی جمع قرآن نیز در زمان خود پیامبر صورت گرفت . صرف نظر از روایاتی که در این مورد وارد است ^۱ از آیات متعدد قرآن ^۲ و احادیث فراوان چنین استفاده می‌شود که قرآن در زمان پیامبر بصورت کتاب درآمده بود و بر آن اصطلاح کتاب اطلاق می‌شد . بدیهی است اطلاق کلمه کتاب بر نوشته‌های پراکنده چندان صحیح بنظر نمی‌رسد . بنابراین همانطور که اجماع مسلمانان در مورد ثبوت قرآن به تواتر حکایت از تنظیم و جمع قرآن در زمان پیامبر دارد از اجماع علماء در مورد اقدام عثمان به جمع قرآن می‌توان چنین استفاده کرد که قاعده‌تاً این جمع میبایستی بمعنی جمع مسلمین بر قرائت و کتابت واحد و رفع تفرقه در قرائت و کتابات

۱- مانند حدیث ثقلین « انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی » و روایات مشابه .

۲- بقره آیه ۲ - ذالک الکتاب لاریب فیه و آیات مشابه مانند کتاب فصلت آیات .

مختلف (از جمله قرائات هفت گانه یا ده گانه و یا چهارده گانه) باشد.

همانطور که قبلاً یادآوری شد چون تاریخ سواد خواندن و نوشتن در اسلام با کتابت و قرائت قرآن آغاز شد و سپس با توسعه آن تطور و تکامل یافت به ناچار به بررسی مختصر مسئله کتابت (نوشتن) پرداختیم، اینک مسئله قرائت قرآن (خواندن) به اختصار بررسی می گردد. قرائت یا خواندن از نظری در اسلام و در تعلیم قرآن دارای اهمیت بیشتری است زیرا هر چند قرائت و قلم (کتابت) و علم هر سه در اولین سوره ای که بر پیامبر نازل شد (سوره اقرء) مورد توجه قرار گرفته اند ولی اولین کلمه ای که به عنوان قرآن بر پیامبر نازل شد قرائت بود و بصورت امر (اقرء - بخوان) بروی نازل شد. نظر به اهمیتی که موضوع قرائت (خواندن) در تعلیم قرآن دارد متن سوره اقرء نقل می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم - اقرء باسم ربك الذي خلق. خلق الانسان من علق.
اقرء و ربك الاكرم . الذي علم بالقلم . علم الانسان ما لم يعلم . (بنام خداوند
بخشنده مهربان . بخوان بنام رب و مربی خودت که خلق کرد . آفرید انسان را از
علق . بخوان به نام رب و مربی برتر خودت که بوسیله قلم تعلیم داد . آموخت انسان
را چیزی که نمی داند .

همانطور که مشاهده میشود از سوره فوق نکات زیر استفاده میشود .

- ۱- مهمترین موضوعاتی که لازم بود در درجه اول در اولین سوره و قبل از هر چیز بر پیامبر نازل شود و مورد توجه قرار گیرد در این سوره بیان شده است .
- ۲- مهمترین موضوعاتی که پیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفته است عبارتست از :

الف - سواد خواندن . (اقرء)

ب - تربیت (ربك)

ج - خلقت و آفرینش و علم بدان (الذي خلق)

د - خلقت انسان و خود شناسی (خلق الانسان)

ه - ارزش و اهمیت کتابت و قلم (علم بالقلم)

و - انتقال انسان از حالت جهل به علم (علم الانسان مالم يعلم) .

۳- قرائت بصورت امر بیان شده ، و پیامبر مأمور به اجرای آن گردیده است.

۴- از خداوند با کلمه رب که ریشه اصلی تربیت است یاد شده تا بدینوسیله اهمیت تربیت بیان گردد .

۵- و تربیت قبل از تعلیم مورد توجه قرار گرفته است (کلمه ربك قبل از کلمه علم آمده است) و بدینوسیله تقدم تربیت بر تعلیم مورد توجه قرار دارد .

۶- قرائت قبل از کتابت مورد توجه قرار گرفته است زیرا قلم پس از قرائت آمده است و این نشان دهنده نظم طبیعی در تعلیم خواندن و نوشتن و حاکی از تقدم خواندن بر نوشتن است .

۷- قلم و کتابت وسیله تعلیم قرار داده شده اند نه هدف تعلیم (علم بالقلم) و این مطلب با آخرین نظریه در مورد وسیله بودن سواد خواندن و نوشتن برای تعلیم و تعلم تطبیق می نماید .

۸- رابطه قرائت با کتابت زیرا آنچه خوانده می شود می بایستی ابتدا نوشته شود و این مطلب علاوه بر ارتباط این دو بیکدیگر حکایت از تأثیر و تأثر قرائت و کتابت از یکدیگر دارد زیرا گاهی از اوقات قرائت کتابت را تغییر می دهد همان طور که کتابت قرائت را تغییر می دهد . با وجود این رابطه ، اصل را در قرآن قرائت دانسته و کتابت را فرع بر آن قرار داده است . یعنی در قرآن آنچه خوانده می شود نوشته می شود .

۹- اصالت قرائت (خواندن) بطور کلی نسبت به کتابت . زیرا زبان ابتدا بوجود آمد و سپس کتابت و در حقیقت ناطقیت در انسان اصل است و از ناطقیت انسان قدرت وی بر کتابت بوجود می آید .

آنچه برای اولین بار گفته می‌شد بصورت نوشته در آمد نه برعکس زیرا وجود کتبی فرع بر وجود شفاهی است نه برعکس.

قرائت مصدر قرأ است همانطور که کتابت مصدر کتب است. هر چند گفته شده است که کلمه قرائت در معانی دیگری غیر از تلاوت و خواندن بکار رفته است مسلماً در زبان عربی در این معنی مصطلح گردید^۱. صرف نظر از سابقه این لغت و اینکه آیا این کلمه اصلاً عربی است یا مستعرب، مانند کتابت و کتب^۲، ظاهراً مدت‌ها قبل از اسلام در زبان عربی بکار می‌رفته و معمول و متداول بوده است. گویا قبل از قرائت از روی نوشته، قرائت بدون نوشتن در عربستان رواج داشته است زیرا دلیلی که حکایت نماید در عربستان مرکزی کتابی برای خواندن وجود داشته است در دست نیست. شعرا اشعار خود را در سه مرکز مهم که مهمترین آنها عکاظ بود قرائت می‌کردند و می‌خواندند ولی خواندن شعر بوسیله شعرا حکایت از قرائت از روی نوشته ندارد. تنها اثر نوشته مرتبی که از پیش از اسلام باقی مانده است «سبعه معلقه» یا قصائد هفتگانه مشهور است. البته این مطلب بهیچوجه حکایت از آن ندارد که خواندن و نوشتن و یا افراد باسواد در عربستان وجود نداشته‌اند هر چند دلالت بر عدم تعمیم و رواج خواندن و نوشتن دارد. قدر مسلم آن است که در شمال شبه جزیره عربستان و در جنوب آن خط و کتابت وجود داشته است و همچنین در مکه و مدینه بودند عده‌ای که خواندن و نوشتن می‌دانستند ولی تعداد آنان بسیار محدود بود هر چند تعیین دقیق عده آنان بصورت ده و اندی نیز صحیح بنظر نمی‌رسد. با وجود این، آثار نوشته‌ای که از پیش از اسلام باقی مانده است ناچیز بلکه

۱- رجوع شود به دائره المعارف اسلامی، زرکشی، البرهان ۲۷۸/۱ والالکان ۵۰/۱

و همچنین به اثر جفری، مقدمتان فی علوم القرآن، مصر، ۱۹۵۴ م و

۲- رجوع شود به کتب لغت، و همچنین به اثر جفری لغات دخيله در قرآن.

نایاب می باشد .

گفته شده است که اولین فردی را که پیامبر در مدینه مأمور تعلیم خواندن و نوشتن بدیگران نمود عبدالله ابن سعید ابن امیه بود. پس از آن که وی مدتی به تعلیم سواد به مردم مدینه مشغول بود عده ای خواندن و نوشتن قرآن را فرا گرفتند. وی برای مدتی تنها معلم در مدینه بود تا اینکه پس از جنگ بدر پیامبر اسیران با سواد را مأمور تعلیم خواندن و نوشتن به کودکان کرد و مقرر فرمود با تعلیم خواندن و نوشتن به ده کودک آزاد خواهند شد^۱ این معلمان مکاتبی را تشکیل دادند تا بتوانند ده کودک را در برابر آزادی خود تعلیم دهند و بنابراین اولین مکاتب در اسلام بلافاصله پس از جنگ بدر تأسیس شدند . قبلا نیز یادآوری شد که اولین کتاب درسی در اسلام قرآن بود و محتملا اولین کتاب درسی در زبان عربی نیز قرآن بود بنابراین اولین معلم و اولین مکاتب اسلامی که در بالا از آنها یاد شد از اولین کتاب درسی اسلام یعنی قرآن برای تعلیم خواندن و نوشتن استفاده می نمودند. قرآن برای مدتهائیز بعنوان تنها کتاب درسی بلکه تنها کتاب در زبان عربی باقی ماند ، زیرا پیامبر بمنظور احتراز از اختلاط قرآن با سنت وی از کتابت غیر قرآن جلوگیری می نمود^۲. بهر صورت تعلیم و تعلم قرآن حداقل در بعضی مکاتب برای مدتها تنها هدف از تأسیس و ادامه فعالیت مکاتب بود^۳.

گفته شده است که پیامبر برای اولین بار تعلیم خواندن و نوشتن را به زنان تشویق نمود . وی دستور داد شفاء بنت عبدالعدویه به همسر وی حفصه خواندن و

۱- صبح الاعشی ج ۳ ص ۱۴ .

۲- رجوع شود به خطیب بغدادی ، تفهید العلم ص ۲۹ چاپ دمشق ۱۹۴۹ م .

۳- ابن خلدون ، مقدمه ص ۳۹۸ ، بلاذری ، فتوح البلدان ص ۱۴۷ ، ابن بطوطه ،

تحفة النظار - ج ۱ ص ۲۱۳ ، شلبی ، تاریخ التریة فی الاسلام ص ۱۶-۲۳ .

نوشتن را بیاموزد تا بدینوسیله زنان را بر آن تشویق کند^۱، علاقه پیامبر به توسعه خواندن و نوشتن به اندازه‌ای بود که گفته شده است حتی در زمان حیات پیامبر و خلفای راشدین مراکز مهمی برای توسعه خط عربی بوجود آمد که مشهورترین آنها مکه، مدینه، کوفه، بصره بود^۲ و کتابت بر قبور حتی در سال ۳۱ هجری نیز سنت شده بود^۳ و صورت این نوشته هنوز منضبط است^۴.

بهر صورت در مورد انتشار سواد خواندن و نوشتن در اسلام می‌توان چنین نتیجه گرفت که از آن‌جا که تنها در زمان بعثت پیامبر بین‌ده تا پانزده نفر در عربستان مرکزی خواندن و نوشتن می‌دانستند پس از نزول قرآن در ابتدای امر پیامبر خود آیات قرآن را در حافظه خویش نگهداری می‌نمود.

پس از پذیرش اسلام بوسیله عده‌ای، آنانکه از قدرت حافظه قوی برخوردار بودند قرآن را از حفظ می‌کردند تا این که بعضی افراد که خواندن و نوشتن می‌دانستند مسلمان شدند. پیامبر آنانرا مأمور کتابت قرآن بر سنگ، استخوان شانه حیوانات و پوست درخت و حتی پوست آهونمود^۵. بعد از مدتی که تعداد باسوادان مسلمان افزایش یافت پیامبر کتاب وحی هفت‌گانه را تعیین نمود. پس از افزایش عده مسلمانان و گسترش اسلام در بین مردم نواحی شمال و جنوب عربستان که با خط و کتابت بیشتر آشنا بودند و تعداد باسوادان آنان بیشتر بود پیامبر دستور داد تا اسرای جنگی باسواد بتعلیم قرآن بکودکان نیز پردازند. افزایش مسلمانان با سواد باندازه‌ای

۱- یوسف احمد، الخط الکوفی ص ۱۰.

۲- سهیله یاسین، الخط العربی ص ۳۸.

۳- یوسف احمد، الخط الکوفی ص ۱۱.

۴- اسرائیل ویلفنسون، اللغات السامیه ص ۲۰۳.

۵- کرد علی، الاسلام، قاهره ۱۹۵۰ ج ۱ ص ۱۷۶.

بود که تعداد کاتبان وحی تا اواخر زندگی پیامبر به حدود چهل نفر رسید و این رقم ، تنها ، عده کسانی بود که بخوبی از عهده قرائت و کتابت قرآن برمی آمدند بطوری که می توانستند امر مهم کتابت وحی را انجام دهند . البته بموازات کتابت قرآن مسلمانانی که از نعمت سواد محروم بودند آن را از حفظ می نمودند . محتملا مجموع قرآن در زمان پیامبر نگاشته شده بود . در زمان خلافت ابوبکر هیئتی به سرپرستی شیخ القراء زید ابن ثابت که از کتاب وحی نیز بود مأمور جمع آوری قرآن و نوشتن آن بر الواح سنگی شد ^۱ .

بعثت انتشار قرآن در سرزمین های وسیع اسلامی و بعثت توسعه قرائت و کتابت آن اختلاف در قرائت و کتابت آن افزایش یافت . برای جلوگیری از تشتت در قرائت و کتابت قرآن ، عثمان دستور داد يك نسخه رشمی از قرآن تهیه شود و آنرا در شش نسخه تکثیر نمود و به کوفه ، بصره ، دمشق ، مکه و مدینه ارسال داشت و يك نسخه برای خود نگهداشت .

گفته شده است که نسخه قرآن که عثمان تهیه کرد دارای نقطه و حرکت نبود تا قرائت های سنتی ادامه یابد .

قرائت و کتابت قرآن و استنساخ آن از روی همین نسخه های پنجگانه بمدت چهل و اندی سال ادامه یافت . در این مدت بر تعداد باسوادان بنحو بی سابقه ای افزوده شد . می توان از وجود تعداد چند هزار نسخه قرآن در جنگ صفین چنین استنباط نمود که می بایستی در سراسر جهان اسلامی تعداد نسخه های قرآن بیشمار بوده باشد تا تنها چند هزار آن در جنگ صفین وجود داشته باشد و از این مطلب همچنین می توان استفاده کرد که تعداد افرادی که می توانستند قرآن را بخوانند و سواد خواندن تنها داشتند غیر قابل شمارش بوده است زیرا معمولا عده کسانی که

۱- قلعشندی ، صبح الاعشی ، قاهره ۱۹۱۹ ج ۲ ص ۴۷۵ .

می‌توانند بخوانند بیش از کسانی هستند که می‌توانند بخوانند و بنویسند و معمولاً عده کسانی که می‌توانستند بخوانند و بنویسند بایستی خیلی بیش از آن عده بودند که عملاً به کتابت و استنساخ قرآن پرداختند: توسعه سواد در اسلام با آنچنان سرعتی پیش رفت که هر شهری برای خود کتابت و مکتب خاصی انتخاب نمود مانند خط مکی، مدنی، کوفی، و بصری (ابن‌الندیم الفهرست ص ۸).

گویا از ابتدا عده‌ای نیز بکار استنساخ قرآن پرداختند و برای استفاده عامه که به زودی با خواندن قرآن آشنا شده بودند عده‌ای آنرا بصورت شغل اختیار نمودند. ابو حکیمه عبدی می‌گوید: من به نوشتن مصاحف (قرآن‌ها) در شهر کوفه اشتغال داشتم و علی (ع) از ما دیدن می‌کرد و مدتی نزد ما می‌ماند و کتابت قرآن را نظاره می‌نمود و زیبایی خط، وی را متعجب می‌کرد و می‌فرمود «این چنین درخشان (نورانی) نمودند، آن چه خداوند درخشان (نورانی) نموده است»^۱. سجستانی نقل می‌کند که عبدالرحمن ابن عوف از یکی از اهالی حیره خواست تا قرآنی برای وی بنویسد و برای این کار هفتاد درهم بوی داد^۲. رواج و توسعه کتابت قرآن با آنچنان سرعتی پیشروی نمود که در مدت کوتاهی جنبه تزئینی و هنری پیدا کرد و به زودی عده‌ای نیز به حسن خط و به مهارت در کتابت قرآن شهرت یافتند: ابن‌الندیم در فهرست نقل می‌کند که «خالد ابن ابی الهیاج» از «والشمس وضحاها» تا آخر قرآن را با آب طلا نوشت و آنرا در قبله مسجد النبی قرارداد. گفته شده است که عمر ابن عبدالعزیز به وی گفت «علاقمندم قرآنی برای من بهمین ترتیب تهیه کنی و

۱- ابوبکر عبدالله ابن ابی داود سجستانی، کتاب المصاحف تألیف ابن عبدالله تحقیق اثر جفری، قاهره مطبعه رحمانیه ۱۹۳۶ م ص ۱۳۱ - ۱۳۲ (نقل المکتبات الاسلامیه ص ۳۸).

۲- همان مرجع ص ۱۳۳.

بنویسی» وی نیز قرآنی برای وی نگاشت که در آن دقت، زیبایی و مهارت رعایت شده بود. عمر ابن عبدالعزیز پس از دیدن آن قرآن خالد را بوسید، کارش را تحسین نمود و اجرت وی را زیاد کرد و قرآن را نیز بوی بخشید^۱.
با ازدیاد ساختمان مساجد در سرتاسر قلمرو اسلامی امر هدیه قرآن‌ها بر مساجد نیز رواج یافت.

انتقال کتابت قرآن از مرحله ساده به مرحله تزئینی در مدتی بسیار کوتاه و وقف آن بر مساجد از صدر اسلام، همانطور که از گفتار فوق ابن‌الدیم استفاده می‌شود و مطالب دیگر حکایت از توسعه سواد خواندن و نوشتن در بین عامه مسلمانان می‌نماید و نشان می‌دهد که کتابت و قرائت قرآن از انحصار عده معینی خارج شده و جنبه عمومی پیدا کرده بود. و از طرف دیگر بعلت احتیاج جامعه عده‌ای در آن مهارت یافتند و آنرا بصورت شغل و هنر انتخاب نمودند. تعلیم قرآن نیز به زودی جنبه شغلی گرفت (از زمان پیامبر) و مکاتب برای این منظور توسعه یافت هر چند عده‌ای معلم خصوصی داشتند.

انحصار قرائت و کتابت در اسلام (سواد خواندن و نوشتن) به قرآن برای مدتی یکی از علل توسعه موضوع کتابت قرآن و فراوانی نسخه‌های آن و ازدیاد بیسابقه تعداد باسوادان در اسلام بود زیرا سطح وحد سواد معین و محدود به قرآن بود (تنها مواد خواندنی بود) و به این جهت تعلیم و تعلم و کتابت و قرائت آن با سرعت صورت می‌گرفت. می‌توان تصور نمود که اگر امر سواد و خواندن و نوشتن در اسلام بوسیله

۱- ابن‌الدیم، فهرست، ص ۹-۱۰

گفته شده است که برای اولین بار در کوفه در زمان خلافت علی (ع) خط از نظر تزئینی و هنری پیشرفت نمود و بهمین جهت از خط کوفی در تزئین مساجد، منابر، محراب و نقود استفاده میشد.

قرائت و کتابت قرآن آغاز نشده بود آموزش و پرورش نمی توانست با آنچنان سرعتی رواج و توسعه یابد که تنها پس از گذشت نیم قرن از هجرت اولین مؤسسه عالی اختصاصی علمی در اسلام بوجود آید. موضوع ترجمه کتب به زبان عربی خیلی زود در اسلام آغاز شد و این موضوع نمی توانست صورت گیرد مگر پس از تکامل نسبی سواد خواندن و نوشتن و آموزش.

ابن الندیم در الفهرست می گوید: خالد بن یزید ابن معاویه ۶۱-۵۸ که مردی فاضل و به علم و نشر آن علاقمند بود و به حکیم آل مروان شهرت یافته بود دستور داد فلاسفه یونانی که پس از فتح مصر بازبان عربی آشنائی پیدا کرده بودند گرد آیند و آنان را مأمور ترجمه کتب صنعتی از زبانهای یونانی و قبطی به زبان عربی نمود^۱ و این اولین مؤسسه عالی علمی اختصاصی و ترجمه در اسلام بود.

از طرف دیگر تأسیس سریع کتابخانه در جهان اسلامی حتی در نیمه اول قرن اول هجری نشانه توسعه سواد خواندن و نوشتن آموزش و پرورش عمومی است: ابن جلجل در کتاب طبقات الاطباء و الحكماء می گوید که عمر ابن عبد العزيز (۹۹-۱۰۱ هـ) ترجمه کتاب اهرن بن اعین القیس اسکندرانی (۶۱۰-۶۴۱ م) را که بوسیله ماسرجویه طبیب (متوفی ۶۴-۶۵ هـ) از یونانی به زبان عربی ترجمه شده بود در کتابخانه اموی (که بوسیله امویان تأسیس شده بود) یافت و آن را در اختیار عامه قرار داد^۲ این موضوع نشان می دهد که خلفای اموی دمشق کتابخانه تأسیس

۱- ابن الندیم، الفهرست، نقل از «مجله آمریکائی لغت و ادبیات سامی»

شماره ۵۲ (تموز ۱۹۳۶) ص ۳۳۸؛ ابن الندیم، الفهرست، چاپ مصر، ص ۴۳۰.

۲- ابو داود سلیمان ابن حیان اندلسی، ابن جلجل، طبقات الاطباء و الحكماء قاهره

۱۹۰۵ م. ص ۶۱. جرجی زیدان، التمدن الاسلامی - ج ۳ ص ۵۶.

نموده بودند (قبل از عمر ابن عبدالعزیز) همانطور که حکایت از وجود ترجمه از یونانی به عربی در زمان آنان می نماید ^۱.

۱- هدف ما در اینجا بررسی مفصل تاریخ آغاز ترجمه کتب به عربی ، تأسیس مؤسسات عالی علمی و تأسیس کتابخانه نیست آن چه در اینجا بیان شد نمونه‌هایی بود که می‌تواند شاهد توسعه سواد خواندن و نوشتن عمومی و آموزش و پرورش در اسلام در نیمه اول قرن اول اسلامی و حداکثر اواسط قرن باشد .

فصل دوم

کتاب و کتابخانه

علاقه اسلام را نسبت به کتابت، کتاب و کتابخانه، مانند سایر وسایل آموزشی، می‌توان در درجه اول معلول ارزش فراوانی که نصوص و سنت اسلامی نسبت به علم و تعلیم و تعلم قائل شده است دانست بهر صورت مسئله کتاب، کتابت و قلم خود مستقلاً نیز مورد توجه نصوص اسلامی (قرآن و سنت) قرار گرفته است: کلمه کتاب و قلم در قرآن مکرر بکار رفته است. معرفی قرآن به عنوان کتاب آسمانی و معجزه پیامبر بیان پراهمیتی است که اسلام برای کتاب و کتابخانه قائل است زیرا برخلاف سایر پیامبران، مثلاً مانند موسی که معجزه‌اش خارق عادات طبیعی بود و یا مانند عیسی که معجزه‌اش مثلاً شفای مرضی و مانند آن بود، محمد (ص) کتاب را بعنوان معجزه خود معرفی نمود.

بهر صورت قلم و کتاب و کتابت در قرآن و سنت دارای اهمیت فراوان است. اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد در باره ارزش قلم است. در سوره اقرء، اولین سوره، توجه پیامبر را به این مطلب جلب می‌کند و استعداد بشر را در مورد آموزش کتبی با جمله «علم بالقلم»^۱ می‌ستاید و بدینوسیله با اعطای آن بر بشر منت می‌نهد. در جای دیگر بعنوان نمونه به قلم و آنچه از خامه قلم بوجود می‌آید سوگند یاد میکند

۱- قرآن سوره اقرء آیه ۲.

و از این راه اهمیت قلم و کتاب را یاد آور می‌شود «ن والقلم و ما یسطرون»^۱ و بعلت ارزش و اهمیت قلم يك سوره در قرآن بنام سوره قلم نامیده شده است .
 احادیث فراوانی نیز در اهمیت قلم آمده است که با عبارات مختلف ارزش آنرا بیان داشته‌اند در حدیثی آمده است «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»^۲ و از این راه مرکب قلم دانشمندان برتر از خون شهدا شناخته شده است^۳ .
 باتوجه بارزش عمومی علم و تعلیم و تعلم در اسلام و باتوجه بارزش وسایل تربیتی و تعلیمی در اسلام بود که کتاب و کتابخانه در اسلام بسرعت تأسیس و گسترش یافت پس از گسترش اسلام در قرن اول هجری سه نوع کتابخانه در سه قسمت مختلف جزء قلمرو اسلامی گردید :

- ۱- کتابخانه‌های مصر مانند کتابخانه اسکندریه .
 - ۲- کتابخانه‌های بین النهرین و سوریه در مراکز علمی نصیبین ، حران و رها ، قسرین و دیگر مراکز .
 - ۳- کتابخانه‌های ایران مانند کتابخانه جندی‌شاپور و غیره .
- مسلمانان ابتدا از این کتابخانه‌ها قسمتی از منابع خود را برای ترجمه و نقل به زبان عربی بدست آوردند و بوسیله این کتابخانه‌ها با کتابداری آشنا شدند و از دانشمندان مراکز علمی در این مناطق برای آشنائی با کتاب و کتابداری استفاده نمودند تا اینکه خود در این راه باندازه کافی تجربه اندوختند .

- ۱- سوره قلم آیه ۱ .
- ۲- ابن عبدیه ، العقد الفرید ، چاپ دوم ، قاهره ، ۱۹۴۸ م ج ۲ ص ۲۰۹ .
- ۳- در حدیث دیگر آمده است «اذا مات ابن آدم انقطع عنه عمله الا عن ثلاثه ، ولد صالح ، صدقه جاریه و کتاب ینتفع به » پس از مرگ تنها سه چیز سودمند است ، فرزند شایسته ، صدقه جاریه و کتابی که از آن استفاده شود .

از آنجا که کتاب در اسلام بعنوان معجزه معرفی شده بود و پیروان ادیان آسمانی دیگر بخاطر « اهل الکتاب » بودن مورد احترام بودند مسلمانان از ابتدا برای کتاب احترام خاصی قائل شدند و کتب و کتابخانه‌های موجود در سرزمین‌هایی که بتصرف مسلمین درآمد مورد توجه قرار گرفته و با سرعت از آنها استفاده شد. در حقیقت آنچه مورد علاقه شدید مسلمین به گسترش کتاب و کتابداری بود موجب توجه و علاقه آنان به کتاب و کتابخانه‌هایی که در سرزمین‌های مختلف که بتصرف مسلمین درآمده بود گردید و آنان را بحفظ و نگهداری و استفاده از کتاب وا میداشت. در باره اتهامی که در مورد نابود کردن کتاب و کتابخانه به مسلمین نسبت داده شده است بعداً در مورد خود صحبت خواهد شد. آنچه مسلم است آنست که این اتهام باروح علمی و علاقه مسلمین به علم و وسایل علمی سازگار نیست. مسلمانان از ابتدا به کتاب بادیده احترام می‌نگریستند: جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر (۷۷۵ - ۸۶۸) اولین کسی که در اسلام در مورد تعلیم و تربیت و معلم مطالبی به رشته تحریر در آورده است و نیز اولین کسی می‌باشد که در کتاب خود « الحیوان »^۱ در مورد ارزش کتاب و کتابخانه بصورت مقاله و منظم مطالبی ایراد نموده و در موارد متعدد درباره اهمیت کتاب یادآوریهائی بعمل آورده است. پس از وی دانشمندان دیگر هر يك بنوبه خود در مورد کتاب و کتابخانه مطالبی بیان داشته‌اند و در مواردی مصاحبت کتاب را بر مجالست امر و احکام برتر دانسته‌اند.^۲

بهمین جهت بود که کتاب و کتابخانه با سرعت در اسلام ارزش واقعی خود را کسب نمود. در مورد اولین کسی که کتابت را در اسلام آغاز نمود و اولین تألیفی که در اسلام صورت گرفت مطالب فراوان است. مسلم آنست که قرآن اولین کتابی بود

۱- جاحظ، کتاب الحیوان، دمشق ۱۹۶۸.

۲- ابن الطقطقی، الفخری. قاهره ۱۹۲۳ م.

که از آن نسخه‌های متعدد تهیه و معمولاً در مساجد گردآوری می‌شد. گویا نسخه قرآن برای اولین بار در مسجد النبی در مدینه نگهداری شد. ابن‌الندیم در «الفهرست» نقل می‌کند که اولین قرآن بخط خالد ابن ابی‌الهیاج که باخط طلا نوشته شده بود در قبله مسجد النبی نگهداری می‌شد^۱. با این ترتیب همانطور که مسجد اولین محل تعلیم و تربیت در اسلام بود اولین محل نگهداری کتاب نیز بود. محتملاً اولین کتابخانه در معنی اصطلاحی در اواسط قرن اول هجری در اسلام بوجود آمد؛ در زمانی که نهضت ترجمه، ابتدا در زمان خالد بن یزید بن معاویه مشهور به حکیم آل مروان آغاز شد. زیرا برای ترجمه لازم بود ابتدا کتابهای مختلف جمع‌آوری و تهیه شود: ابن‌جلجل در طبقات الاطباء نقل می‌کند که عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) کتاب اهرن بن اعین القیس را که ماسرجویه طبیب در زمان مروان بن الحکم (۶۴-۶۵ هـ متوفی) به عربی ترجمه نموده بود در کتابخانه اموی یافت و پس از مشورت لازم امر به انتشار آن نمود^۲. این داستان به خوبی نشان می‌دهد که قبل از عمر بن عبدالعزیز کتابخانه اموی تأسیس شده بود و با احتمال قوی این کتابخانه در زمان مروان بن الحکم و خالد بن یزید بن معاویه تأسیس شده بود. ابن‌الندیم خود نقل می‌کند که در شهری در نزدیکی انبار در عراق به کتابخانه‌ای دست یافت که کتب آن به خط امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بود و پیمان‌نامه‌هایی مربوط به پیامبر و علی (ع) در آن وجود داشت^۳. ابن‌الندیم خود در اواخر قرن چهارم هجری وفات یافت و نقل این داستان بوسیله وی تنها دلالت بر وجود این کتابخانه تا زمان حیات وی می‌نماید ولی مسلماً داستان حکایت از وجود تعداد زیادی کتاب در زمان امام حسن و حسین

۱- ابن‌الندیم، الفهرست، ص ۹-۱۰.

۲- ابن‌جلجل، طبقات الاطباء، قاهره ۱۹۵۵ م ص ۶۱.

۳- ابن‌الندیم، الفهرست، قاهره ۱۳۴۸.

می‌کند و طبقاً این کتب در محلی نگهداری می‌شده‌اند و کتابخانه‌ای وجود داشته‌است. گفته شده است که عروۃ بن زبیر (متوفی به سال ۷۱۲ م) برادر عبدالله بن زبیر داعی خلافت نیز دارای مجموعه‌ای از کتب بود^۱. شاگرد وی محمد بن مسلم الزهری (متوفی ۱۲۴ هـ) نیز دارای مجموعه کتابی بود (کتابخانه). بنابراین محتملاً مجموعه‌های کتاب (کتابخانه) در اواسط قرن اول هجری در اسلام متعدد بود. مسلم آن است که قرن اول هجری از نظر شروع ترجمه، جمع‌آوری کتب، قرآن، سنت نبوی، پیدایش کتابخانه‌های شخصی و امور مربوط به تأسیس و توسعه کتاب و کتابخانه در اسلام دارای اهمیت فراوان است: گفته شده است که عبدالحکم الجحمی در مکه در نیمه اول قرن اول هجری مجموعه‌ای شخصی از کتاب فراهم نموده بود^۲. بعلت همین نهضت علمی اسلامی و توجه نصوص مختلف به کتابت، قلم، کتاب و کتابخانه بود که علمای اسلامی و امرا و حکام علاقه خاص و وسیعی نسبت به جمع‌آوری کتب و تأسیس کتابخانه مبذول داشته و این امر با سرعت بی‌سابقه در اسلام پیشرفت نمود. در موارد متعدد حکام و امرا افرادی را مأمور جمع‌آوری و خرید کتاب می‌نمودند و برای این کار افرادی را به نقاط مختلف اعزام می‌داشتند. گفته شده است که هارون الرشید خلیفه عباسی پس از فتح و تصرف سرزمینهای جدید در موقع تنظیم و عقد قرارداد اصلاح شرط می‌نمود که کتابهای موجود و لازم را ضبط و نگهداری نماید و این موضوع مخصوصاً در تصرف قسمتهائی از سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری روم مورد توجه بود و رومیها نیز بعلت جهل به کتب و عدم علاقه به فرهنگ

۱- کرد علی، محمد، الاسلام والحضارة المریه ج ۱ ص ۱۷۶ چاپ دوم، قاهره

۱۹۵۰ م.

۲- همان مرجع ص ۱۷۶ :

و تعلیم و تعلم این شرط را به آسانی می پذیرفتند^۱ گفته شده است که هارون الرشید و مأمون اصولاً بعضی از جنگها را به خاطر دست یافتن به کتاب و کتابخانه‌ها آغاز می نمودند^۲. براون Brown از ویتنگتون Wittington نقل می کند که «فعالیت عجیب علمی مسلمین در حیرت انگیز بودن کمتر از فتوحات حیرت بخش آنان نبود». قیصر روم (بیزانس) متعجب شد وقتی که دید از جمله شروط صلحی که وحشیان غالب (مقصود مسلمین است) به رومیان تحمیل کردند حق جمع آوری و خرید نسخه‌های کتاب یونانی بود و از اینکه يك نسخه مصور کتاب ریسفوریوس بهترین هدیه به يك امیر مسلم بود (نقی زاده، تاریخ علوم، فصل دهم).

بین مأمون و امپراطور روم و پادشاهان مناطق دیگر مکاتباتی در مورد جمع آوری کتاب صورت می گرفت. پس از مکاتبه با امپراطور روم و موافقت امپراطور با نقل کتابهای امپراطوری خود به قلمرو اسلام، مأمون حجاج بن مطروا بن البطریق و سلم و دیگران را برای حمل کتاب نزد وی اعزام داشت^۳. گفته شده است که یحیی بن خالد از عباسیان نامه و عده‌ای را نزد امپراطور روم ارسال داشت و مقدار زیادی کتاب از آنجا به قلمرو اسلام منتقل نمود^۴. گفته شده است که مأمون افرادی را نزد حاکم صقلیه (سیسیل) و قبرس بمنظور جمع آوری کتب اعزام نمود^۵.

۱- قاضی صاعد اندلسی، طبقات الامم ص ۲۷ به نقل محمد باهر حماده، المکتبات

الاسلام ص ۵۷.

۲- همان مرجع.

۳- ابن ابی اصیبه، طبقات الاطباء، ج ۲ ص ۱۲۳.

۴- عباس محمود، العقار، التفكير فريضة اسلاميه، قاهره ص ۴۰-۴۲.

۵- احمد فريد الرفاعي، عصر المأمون، چاپ چهارم قاهره ۱۹۲۸ ص ۳۷۵-۳۷۶.

واحد شلبی، تاريخ الدينه الاسلاميه به نقل از ابن نباته مصري روح الفنون ص ۲۶۶-۱۶۱.

گفته شده است که حنین ابن اسحق مترجم مشهور زمان مأمون نیز به مأموریت‌هایی بمنظور جمع آوری کتاب در سرزمینهای امپراطوری روم از طرف مأمون اعزام شد. یوحنا ابن البطریق نیز مأموریت‌هایی را برای جمع آوری کتاب انجام داد^۱. تنها رشید و مأمون و حکام و امرا نبودند که به جمع آوری کتاب و تشکیل کتابخانه علاقمند بودند، توسعه علم و تعلیم و تعلم در اسلام بحدی بود که همه به جمع آوری کتاب علاقمند شدند.

الحکم دوم نیز به نقل ابن خلدون عده‌ای را برای جمع آوری و خرید کتاب به مناطق مختلف اعزام داشت. الکندی اولین فیلسوف عرب نیز در جمع آوری کتاب اهتمام فراوان داشت. اصولاً علاقه به کتاب و کتابخانه موجب آن شد که یک رشته کتابخانه شخصی در عالم اسلام بوجود آید. وزراء، علماء و فلاسفه و ثروتمندان کتابخانه‌های شخصی تشکیل می‌دادند: ابن العمید وزیر بویه‌یان و شاگرد وی اسماعیل ابن عباد وزیر دانشمند معروف دارای کتابخانه‌های معتبری بودند، گفته شده است علت شهرت صاحب ابن عباد به (الصاحب) آن بود که وی همواره در مسافرتها کتابخانه بزرگی را که ده شتر آن را حمل می‌نمود مصاحب و همراه خود داشت^۲. ویل دورانت معتقد است که در کتابخانه صاحب بن عباد به اندازه تمام کتابهای اروپای آن زمان کتاب وجود داشت^۳. عده وزراء و دانشمندانی که دارای کتابخانه‌های معتبر بزرگ شخصی بودند فراوان است و نمی‌توان در اینجا حتی نمونه‌هایی از این کتابخانه‌ها را که در سرزمین‌های مختلف اسلامی بودند، بیان داشت.

۱- ابن جلیجل، طبقات اطباء ص ۶۷.

۲- ابن خلدون، کتاب العبر، ج ۴ ص ۱۴۶، قاهره ۱۲۸۴ هـ.

۳- ابن خلکان، وفيات الاعیان ج ۲ ص ۴۶۸ به نقل از محمد باهر حماده، المكتبات

فی الاسلام ص ۹۰.

علاقه به کتاب و کتابخانه به علت توجه به علم و کتاب از طرف عامه به اندازه‌ای است که بصورت وسیله‌ای برای فخر و خود نمائی در آمد و به این جهت ثروتمندان بی‌سواد نیز برای خود کتابخانه شخصی تشکیل می‌دادند و گویا کتاب و کتابخانه قسمتی از خانه‌های شخصی را تشکیل می‌داد: مقری از حضر می‌نقل می‌کند که مدتی در جستجوی کتابی در بازار کتابفروشان قرطبه انتظار کشیدم و تحقیق نمودم تا آنکه نسخه‌ای از آن را بخط زیبا یافتم و پیشنهاد خرید آنرا دادم. کتاب به حراج گذاشته شد و حراج‌گر بعلمت وجود شخصی که خریدار آن بود قیمت آنرا به بیش از آنچه قیمت واقعی آن بود اعلام داشت. از وی خواستم تا مرا با خریدار دیگر آشنا کند. وی را مردی بالباس فاخریافتم. به او گفتم اگر واقعاً به این کتاب احتیاج داری من از تقاضای خود منصرف خواهم شد تا تو آن را بقیمت مناسب خریداری کنی. وی پاسخ داد من فقیه نیستم و از محتویات کتاب نیز اطلاعی ندارم. ولی کتابخانه شخصی تأسیس نمودم که در بین کتابخانه‌های اعیان شهر منفرد و منحصر بفرد است. در کتابخانه من جای خالی برای کتابی به اندازه این کتاب وجود دارد و چون این کتاب را زیبا و با جلد و خطی بسیار نیکو یافتم مایل بخرید آن شدم و زیادی قیمت آن برای من اهمیتی ندارد. . . .^۱

رقم کتب کتابخانه‌های شخصی گاهی به دهها هزار می‌رسید و افراد صدها هزار درهم (سیصد هزار درهم در موردی) برای تهیه کتابخانه شخصی مصرف می‌کردند.^۲

بعلمت توجه فوق‌العاده اسلام، مسلمانان و دانشمندان به کتاب و کتابخانه

۱- المقری، نفخ الطیب، ج ۱ ص ۴۶۳.

۲- احمد امین، ظهراسلام، ج ۲ ص ۲۲۳، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، قاهره

۱۳۵۳ هـ - ج ۷ ص ۲۶-۲۷.

بود که با تمام مشکلات موجود کتابها با سرعت از منطقه‌ای در جهان اسلام به منطقه دیگر منتقل می‌گشت : گفته شده است که کرمانی یکی از دانشمندان اندلس به شرق مناطق اسلامی سفر نمود و در مراجعت به اندلس کتاب رسائل اخوان الصفا را با خود به اندلس برد^۱ . کتاب (القانون فی الطب) ابن سینا در قرن پنجم هجری بوسیله یکی از تجار از عراق به اندلس برده شد و ابوالعلاء بن زهربر آن دست یافت^۲ . ابن الندیم نقل می‌کند که نسخه‌ای از کتاب «العین» خلیل بن احمد که بوسیله یکی از کتاب فروشان خراسان در سال ۲۴۸ هـ به بصره منتقل شده بود به پنجاه دینار به فروش رفت^۳ ،

مجدداً بهمین علت بود که هدیه کتاب در عالم اسلامی بسیار متداول شد . جریان هدیه کتاب به صورت‌های مختلف صورت می‌گرفت :

الف : تقدیم کتاب به حکام ، وزرا و امرا و بزرگان به این معنی که مؤلفین کتابهای خود را به نام آنان به رشته تحریر درمی‌آوردند . این جریان تا زمان معاصر نیز در عالم اسلام رواج داشت . بنابراین ذکر حتی نمونه‌هایی از نگارش کتاب به نام حکام ، وزرا و امرا در خور گنجایش این کتاب نیست : اصولاً این مطلب از نظر تاریخی روشن‌تر از آن است که درباره آن قلم فرسائی شود . بهر صورت نمونه‌هایی از این موضوع را می‌توان در نگارش مثلاً شاهنامه بوسیله فردوسی به نام سلطان محمود غزنوی و امثال آن یافت . در مواردی اصولاً کتاب به نام شخصی که بوی هدیه شده بود شهرت می‌یافت مانند کتاب «القانون المسعودی» تألیف ابوریحان بیرونی به نام سلطان مسعود غزنوی . این جریان بیان‌گر این حقیقت است که بهترین

۱- احمد امین ، ظهیر الاسلام ج ۳ ص ۲۳۳ .

۲- ابن ابی اصیبه ، طبقات الاطباء ج ۳ ص ۱۰۴ ، بیروت ۱۹۵۶ م .

۳- ابن الندیم ، الفهرست ، ص ۶۴ ، قاهره ۱۳۴۸ هـ .

افتخار برای حکام و وزراء و امراء انتساب آنان به کتاب و یا انتساب کتاب به آنان بوده است. نمونه‌های نوشتن کتاب به نام دیگران و حتی تسمیه آن به نام بزرگان فراوان است. ب - هدیه کتاب به عنوان پیش کش و تحفه: جاحظ «الکتاب» سیبویه را بعنوان تحفه به محمد ابن عبدالملك زیات وزیر معتصم^۱، عمیدی قاضی قزوینی کتابهایی به صاحب بن عباد، پدر ابن ابی اصیبه کتاب طبقات الاطباء ابن ابی اصیبه (فرزند خود را) به امین الدوله وزیر حاکم دمشق در اواخر ایوبینی هدیه نمود^۲ و مانند این نمونه‌ها. هدیه کتاب بین مردم علاقمند به آن در سطح وسیع متداول گردید و این جریانی بود که از قرن سوم هجری متداول بود.

بعلت توسعه علم و تعلیم و تعلم در سطح وسیع در اسلام بود که تألیف و نشر کتاب هنرها و مشاغل مربوط به آن سرعت و وسعت یافت؛ خطاطی بصورت هنر اصیل اسلامی درآمد و از قرن اول جنبه تزینی پیدا کرد و خطاطی با آب طلاپیش از پایان قرن اول بوجود آمد^۳ از آنجا که انتشار کتاب تنها از راه کتابت و استنساخ صورت می‌گرفت خطاطی و استنساخ بصورت شغل درآمد و عده‌ای را بخود مشغول نمود. اشتغال به کتابت و استنساخ از زمان پیامبر آغاز شد (کتاب وحی و کتابت وحی هر چند بدون اجرت بود) و در زمان علی (ع) بصورت شغل با اجرت درآمد^۴.

خرید و فروش کتاب نیز به زودی از مشاغل محترم گردید و کتابفروشی در

۱- ابن خلکان، وفيات الاعیان ج ۳ ص ۱۳۳، قاهره ۱۹۴۸ م:

۲- ابن ابی اصیبه، طبقات الاطباء ج ۳ ص ۳۸۶-۳۸۷، بیروت ۱۹۵۶ م.

۳- رجوع شود به ابن الندیم، الفهرست، ص ۹.

۴- رجوع شود به سجستانی، کتاب المصاحف، قاهره ۱۹۳۶ م ص ۱۳۳، الفهرست

سطح وسیعی بصورت تجارت در آمد و تجار برای تهیه نسخه‌های نادر و گران قیمت مسافرت می نمودند . بهمین علت بود که يك طبقه بزرگ تاجر به نام (وراقون) پیدا شدند که کار آنان تهیه کاغذ ، کتاب ، کتابت ، صحافی و خرید و فروش کتاب بود و این طبقه سهم شایانی را در انتشار معارف اسلامی دارا می باشند . اهمیت کتابفروشی از نظر علمی به حدی گردید که مراکز کتابفروشی قسمتی از بازار شهرها را تشکیل می دادند و کتابفروشیها مرکز تجمع و ملاقات دانشمندان و در بسیاری موارد محل مطالعه و بررسی کتاب بودند . شغل وراقی و کتابفروشی پس از اختراع و انتشار کاغذ در جهان اسلام رواج یافت و این امر محتملا در اوائل دوره عباسیان و زمان رشید و مأمون عباسی صورت گرفت و در سطح فوق العاده وسیعی گسترش یافت .

موضوع اختراع کاغذ و دست یافتن مسلمانان بر آن و شیوع و انتشار آن در قسمتهای مختلف جهان اسلام محتاج به بررسی جداگانه ایست . آنچه در اینجا در صدد اشاره بآن می باشیم آن است که شغل کتابفروشی از مشاغل محترم گردید و حتی علما و دانشمندان بزرگ مانند ابن الندیم^۱ به آن اشتغال ورزیدند و دکانهای کتابفروشی ، مرکزی برای تبادل نظرات علمی ، تحقیق در کتاب ، تألیف و جرح و تعدیل مسائل علمی گردید . اشتغال دانشمندان بزرگ اسلامی بشغل کتابفروشی که نمونه های فراوانی از آن را می توان بدست آورد بیانگر این مطلب است .

ارزش علمی و معنوی کتاب موجب شد که کتاب از نظر پولی و قیمت نیز دارای ارزش فراوان شود البته مصاحف مذهب با جلدهای فوق العاده نفیس بسیار گران تمام می شدند ولی خرید و فروش مصاحف چندان متداول نبود . کتب علمی گاهی بصورت فوق العاده نفیسی خطاطی و صحافی می شدند . ولی معمولا قیمت کتاب بستگی به محتویات آن داشت . گفته شده است که « عبدالله ابن احمد طباطبائی الحسنى کتابی

۱- یاقوت حموی ، معجم الادباء ج ۱۸ ص ۱۷ ، قاهره ۱۹۰۶ م .

به ابی بکر الطحاوی هدیه نمود که قیمت آن يك هزار دینار بود^۱ و این قیمت مربوط به کتابی است که در قرن چهارم هجری هدیه شد. معمولاً نسخه‌هایی که بخط خود مؤلف بود بعلت اعتبار علمی دارای ارزش فراوان می‌گردید. ارزش قیمت کتاب در جامعه اسلامی گاهی بحدی می‌رسید که مجبور می‌شدند کتابی را به حراج بگذارند. مسأله کتاب و کتابخانه به اندازه‌ای مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت که عده‌ای از دانشمندان در صدد آن برآمدند که فهرست کتابهای موجود را تهیه و برای اطلاع جامعه علمی منتشر نمایند و از این راه محققین را با آخرین تحقیقات و تألیفات جهان اسلام آشنا نمایند. کتابهای «الفهرست» نوشته ابن الندیم، «احصاء العلوم» نوشته فارابی، «مفاتیح العلوم» خوارزمی، «حقائق الانوار فی حقایق الاسرار» اثر فخرالدین رازی، «کشف الظنون» اثر حاجی خلیفه و ده‌ها کتابهای فهرست که این زمینه نوشته شده است بیان‌گر این حقیقت است.

وقف کتاب :

یکی از نکات جالب توجه در جهان علمی اسلام در مورد کتاب آن بود که به کتاب وسیله علمی لازم برای اهل علم نگریسته می‌شد و به اینجهت حبس کتاب و جلوگیری از استفاده از آن از ابتدا در اسلام بسیار ناپسند بود. احادیث فراوانی وجود دارد که حکایت از زشتی حبس کتاب و حتی حرمت حبس قرآن می‌نماید. این موضوع سبب شد که افراد بمجرد احساس احتمال حبس کتاب از راه وقف آن برمجامع علمی عمومی آن را در معرض استفاده عموم قرار می‌دادند. سابقه وقف کتاب در اسلام بسیار طولانی و حتی به نیمه اول قرن اول اسلامی منتهی می‌گردد.

۱- المقریزی، الخطط، ج ۲ ص ۱۱۹.

در زمان حیات خود پیامبر نیز قسمت‌های مختلف قرآن که بر اشیاء متفرق نوشته می‌شد در مسجد ضبط می‌گردید تا شاید بدینوسیله در معرض استفاده عموم قرار گیرد. قبلاً یادآوری شد که خالد ابن ابی‌الهیاج قرآنی به خط زیبا و با آب طلا نوشت و آن را در قبله مسجد النبی برای استفاده عامه قرار داد و این جریان مربوط به اواسط قرن اول هجری^۱ است با این ترتیب وقف کتاب بر مجامع عمومی از همان صدر اسلام متداول گشت و چون اولین مجمع عمومی در اسلام، مانند اولین مرکز تعلیم و تعلم، مسجد بود بنابراین در ابتدا قرآن‌ها و سپس کتب بر مساجد وقف می‌گشت پس از آنکه مساجد رسماً بصورت مراکزهای تعلیم و تربیت درآمد وقف کتب بر مساجد توسعه بیشتری یافت. با توسعه وقف کتب بر مساجد بعلت عدم گنجایش مساجد و جلوگیری از اتلاف کتب محل‌هایی برای نگهداری کتب در جوار و یا در داخل مساجد ساخته می‌شد و سپس رسم بر آن شد که کتابخانه‌هایی با مساجد ساخته شود و مساجد بزرگ در هنگام بنادارای کتابخانه اختصاصی می‌شدند. این موضوع تا زمان معاصر نیز ادامه یافته است این جریان در مورد مشاهد متبر که نیز صدق می‌نماید کتابخانه‌های مساجد جامع بنی‌امیه در دمشق، مدینه و مکه و مساجد بزرگ دیگر بر همین اساس بوجود آمد و کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و نجف اشرف و سایر مشاهد متبر که نیز نمونه‌های دیگری از همین رسم می‌باشند. کتابخانه‌های معتبر مساجد در زمان حاضر بیش از آن است که در اینجا بیان شود. کتابخانه مسجد اعظم قم که اخیراً بوسیله مرحوم آیت‌الله بروجردی (حاج آقا حسین) با بنای مسجد تأسیس شد نمونه کتابخانه‌های معتبر مساجد در زمان معاصر می‌باشد.

۱- ابن‌الندیم، الفهرست ص ۹-۱۰ قاهره ۱۳۲۸ هـ

علت تأسیس کتابخانه در جوار مساجد که علاوه بر توجیه تاریخی ، آنست که عبادت و علم در اسلام از یکدیگر تجزیه نشده اند . طلب علم بهترین عبادت است و تفکر يك ساعت برتر از عبادت هفتاد سال می باشد و اصولاً تفکر و تعلیم و تعلم جز عبادت و بهترین نوع آن چیزی نیست ^۱ . جریان وقف کتب بر مساجد پس از آنکه مساجد علاوه بر محل عبادت مرکزیت علمی نیز کسب نمودند و بعنوان محل تعلیم و تعلم شناخته شدند توسعه بیشتری پیدا کرد : دانشگاه فعلی الازهر در ابتدای بنا ، به عنوان جامع الازهر تأسیس گردید و همچنین جوامع قرطبه ، طلیطله ، غرویین و زیتونه و کتابخانه های بزرگی که در جوار و ضمیمه وجود دارد بیشتر از راه وقف کتاب رشد و نمونموده است . تاریخ کتاب و کتابخانه در اسلام شاهد وقف کتب بسیار و پیدایش کتابخانه های بزرگ از این راه می باشد . ابن جوزی (متوفی ۵۹۷) می گوید که در فهرست کتب موقوفه مدرسه نظامیه بغداد شش هزار کتاب ذکر شده بود ^۲ . مسعودی نویسنده و مورخ معروف و صاحب کتاب تاریخ مشهور پس از وفات خود در سال ۵۸۴ کتابخانه خود را بر خانقاه سمیساطیه در شام وقف نمود ^۳ . گویا رسم بر آن بود که دانشمندان و بزرگان کتب خود را پس از وفات وقف می نمودند همچنانکه صاحب ابن عباد کتابخانه شخصی خود را که بار چهارصد شتر بود بکتابخانه شهر ری وقف نمود ^۴ . اصولاً از آن جا که وقف کتاب در اسلام یکی از پر ثواب ترین

۱- برای توضیح بیشتر این موضوع رجوع شود به عباس محمود عقاد ، التفكير فیضه اسلامیه ، چاپ مصر .

۲- احمد سلبی ، تاریخ التریة اسلامیه ص ۱۷۱ .

۳- ابن خلکان ، وفيات الاعیان ج ۴ ص ۲۳-۲۴ قاهره ۱۹۴۸ م .

۴- محمد ماهر حماده ، المکتبات فی الاسلام ص ۱۲۸ ، چاپ اول ، مؤسسه الرساله ۱۹۷۰ م .

کارها است وقف کتاب بر کتابخانه‌های عمومی موجب گسترش بی‌سابقه بعضی کتابخانه‌های عمومی در اسلام گردید. نه تنها وقف کتاب در اسلام متداول بود بلکه وقف مال بر اداره کتابخانه نیز امری کاملاً مرسوم بود: ابن خلدون مورخ معروف نسخه‌ای از کتاب مشهور خود مقدمه (کتاب العبر و دیوان المبتداء والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر و من عناصرهم من ذوی السلطان الاکبر) را وقف کتابخانه مسجد جامع قیروان نمود^۱. جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع نسخه‌ای از کتاب خود «الکافی» را به دارالعلم بغداد وقف کرد^۲. با این ترتیب می‌توان قضاوت نمود که مؤلفین نسخه‌ای از کتب خود را، وقف کتابخانه‌های عمومی می‌نمودند. یاقوت حموی صاحب کتاب معجم الادباء و معجم البلدان کتابهای خود را وقف مسجد زیدی در بغداد نمود.

می‌توان گفت یکی از علل مهم گسترش کتاب و کتابخانه در اسلام وقف کتاب بر کتابخانه بود. این موضوع سبب شد که تعداد کتابهای بعضی کتابخانه‌های عمومی در اسلام به رقم‌های فوق‌العاده بالا برسد. از این که تنها کتب موقوفه صاحب بن عباد که بار چهار صد شتر بود، تنها قسمتی از کتابخانه شهر ری را تشکیل می‌داد می‌توان حدس زد که مجموع کتب این کتابخانه را رقمی خیالی تشکیل می‌داده و هم‌چنین از قول ابن جوزی (متوفی ۵۹۷) که تنها کتب موقوفه نظامیه بغداد را شش هزار نقل نموده می‌توان به عظمت آن پی برد. العزیز خلیفه فاطمی مصر و فرزند المعز، بانی و پایه‌گذار دانشگاه الازهر کتابخانه الازهر را تأسیس نمود که بعداً از نظر کمیت و کیفیت یکی از مهمترین کتابخانه‌های دنیا گردید. در یک قسمت از کتابخانه فاطمیان (که مجموعاً دارای چهل خزانه بود)، در قسمت کتب بیمارستان

۱- محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام ص ۱۲۸، چاپ اول، مؤسسه الرساله ۱۹۷۰ م.

۲- ابن ابی اصیبه، طبقات الاطباء ج ۲ ص ۷۵، بیروت ۱۹۵۶ م.

بیش از یکصد هزار کتاب وجود داشت^۱ . در یکی از کتابخانه‌های فاطمیان مصر تنها ۱۲۰۰ نسخه از کتاب تاریخ طبری وجود داشت و بنا به نقل مقریزی هزار هزار و ششصد هزار کتاب در آن موجود بود^۲ . ابن خلدون از قول ابن حزم نقل می‌کند که کتابخانه بنی مروان در اندلس تنها دارای چهل و چهار فهرست بود که در هر فهرست بیست ورق وجود داشت که تنها شامل اسامی دیوانها بود^۳ . گفته شده است که در کتابخانه‌ای که بوسیله الحکم ثانی خلیفه اندلس تأسیس شد چهارصد هزار کتاب موجود بود^۴ . گفته شده است در کتابخانه بنی عمار در طرابلس در شام سیصد هزار کتاب وجود داشت که تنها هشت هزار نسخه کتاب تفسیر در آن موجود بود^۵ . تنها در روز افتتاح کتابخانه مدرسه مستنصریه در بغداد که در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شد یکصد و شصت بار بر به حمل کتاب به آنجا اشتغال داشتند^۶ ، بعضی تعداد کتبی را که در روز افتتاح به آنجا حمل شد هشتاد هزار نقل نموده‌اند^۷ . در دایرة المعارف اسلامی فنسک چاپ لیدن (۱۹۰۹-۱۹۳۸) (ج ۳ ص ۳۶۹) آمده است که تنها تعداد کتب کتابخانه بیمارستان قلاوون در قاهره در حدود یکصد هزار جلد کتاب می‌باشد .

-
- ۱- ابن تفری بردی ، النجوم الزاهرة ج ۴ ، ص ۱۰۱ قاهره ۱۹۴۳ م .
 - ۲- مقریزی ، غطط ، ج ۲ ص ۲۵۴ قاهره ۱۹۶۷ م .
 - ۳- ابن خلدون ، کتاب العبرج ۴ ص ۱۴۶ قاهره ۱۹۸۴ م .
 - ۴- المقری ، نفخ الطیب ، ج ۱ ص ۳۹۴-۳۹۵ بیروت ۱۹۶۸ م .
 - ۵- شوشتی ، ۱ . م . مختصر البعامة الاسلامیه ۱۹۳۸ م بالکلار ، ص ۱۶۷ نقل از المکتبات فی الاسلام ص ۱۳۴ .
 - ۶- ابن الطوطی ، الحوادث الجامعه ص ۵۴ .
 - ۷- ابن القوطی ، تلخیص مجمع الاداب ، دمشق ص ۲۸ .

آنچه در این جادرمورد آمار کتب کتابخانه‌ها بیان شد تنها نمونه‌هایی بود که بطور اتفاقی انتخاب شدند تا بدینوسیله بر آوردی اجمالی نسبت به توسعه کتابخانه در اسلام بعمل آید و از این راه ارزش کتاب و کتابخانه در تعلیم و تربیت اسلامی روشن شود. ذکر دقیق و مفصل آمار کتابهای کتابخانه‌هایی که در سرتاسر جهان اسلام در قرون و ادوار مختلف پراکنده بوده است از گنجایش هر کتابی خارج است. فهرست‌های این کتب و کتابخانه‌ها خود مجموعه‌های مفصلی را تشکیل داده است. اینک با توجه به اهمیت کتاب، کتابت، کتابخانه، علم، تعلیم، تعلم و مراکز علمی در اسلام می‌توان به کذب بعضی شایعات پی برد. لازم بیادآوری است که بعضی از مستشرقین برای سرپوش گذاشتن به خسارات علمی که اروپا و مسیحیت به اسلام در جنگ‌های صلیبی^۱ و در اسپانیا وارد آوردند^۲ مسلمانان را به سوزاندن کتابخانه اسکندریه متهم نموده‌اند. ولی این اتهام حتی بوسیله بعضی از خود مستشرقین نیز مردود شناخته شده است^۳ مهمترین دلیل‌هایی که این اتهام را طرد می‌نماید عبارت است از:

۱ - این اتهام برای اولین بار پس از پانصد و اندی سال از فتح مصر عنوان شد. اولین کسی که این مطلب را عنوان نمود عبداللطیف بغدادی مورخ معاصر صلاح‌الدین ایوبی در کتاب الموعظه والاعتبار بود و مورخین دیگر چون قفطی مولف «تاریخ الحكماء» و ابن العبری (ابوالفرج) مؤلف «تاریخ الدول» این مطلب را گرفته و به نقل آن پرداخته‌اند.

۱ - این اتهام برای جبران سرشکستگی صلیبیون بعثت سوزاندن کتابخانه طرابلس شام که در ۱۰۰۹ م ساخته شده بود صورت گرفت (محمود ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام ص ۲۴).

۲ - مسالك الممالك ص ۹۳.

۳ - تبلر، ج. الفرد، فتح مصر بوسیله عرب، ترجمه به عربی بوسیله محمد فرید

ابوحدید، چاپ دوم قاهره ۱۹۰۶ م ص ۲۹۴-۳۱۲.

۲- داستان سوختن کتابخانه اسکندریه حاکی است که آب چهار هزار حمام اسکندریه را مدت شش ماه باین کتاب ها گرم کردند . وجود چهار هزار حمام در اسکندریه و وجود تعداد کافی کتاب در کتابخانه اسکندریه برای گرم کردن این حمام ها بمدت شش ماه هردو تنها می تواند داستان باشد نه حقیقت .

۳- کتب قبل از اسلام معمولا و این کتابهای کتابخانه اسکندریه از سنگ ورق بودند و قابلیت سوختن نداشتند.

۴- در داستان آمده است که پس از فتح اسکندریه در ۶۴۲ م یوحنا ی نحوی یکی از علما و منطقین^۱ حوزه اسکندریه نزد عمرو بن العاص فاتح اسکندریه آمد و از وی اجازه استفاده از کتب کتابخانه را نمود و بنا بر این عمرو بن العاص از خلیفه عمر در مدینه در این مورد استفسار نمود تا آخر یحیی نحوی که نام یونانی وی فیلیونوس بود مدتها قبل از فتح مصر وفات کرده بود و در آن زمان وجود خارجی نداشت زیرا در قید حیات نبود^۲.

۵- اگر این کتابخانه بدست مسلمانان سوخته شده بود مورخین اسلامی به آن کتابها دست نمی یافتند و مثلا ابن الندیم نمی توانست تعداد زیادی از این کتابها را در الفهرست نام برد^۳. بسیاری از مورخان اسلامی متفق القولند که در عصر یونانی متاخر در اسکندریه مقدار زیادی از جوامع کتابهای طبی مانند مجموعه یی از شانزده کتاب از آثار جالینوس (سته عشر) و بعضی از کتب بقراط ترتیب یافت که نام آنها را ابن الندیم والقفطی و ابن ابی اصیبه آورده اند. هر یک از این جوامع کتاب واحدی شمرده می شد و هم آنها برای متعلمین ترتیب می یافت این مطلب تقریبا مورد اتفاق دانشمندان است

۱ و ۲- تیلر ، ج . الفرد ، فتح مصر بوسیله عرب ، ترجمه به عربی بوسیله محمود فرید

ابوحدید ، چاپ دوم قاهره ۱۹۴۶ م ص ۲۹۴ - ۳۱۲ .

۳- صفاء ذیح الله ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۷ چاپ سوم دانشگاه تهران .

که اولین کتابهایی که به عربی ترجمه شد از کتب کتابخانه اسکندریه و اولین مترجم به زبان عربی دانشمند معروف اصطفا ن اسکندرانی از حوزه اسکندریه بود^۱ و تعداد کتبی که از حوزه اسکندریه به عربی ترجمه شد و به جهان اسلام راه یافت متعدد است. ۶- مورخین قرون صدر اسلام از این داستان چیزی نگفته اند در صورتی که اگر این حادثه اتفاق افتاده بود مورخین قرن هفتم آن را یاد آور می شدند.

۷- در موقع محاصره و تسلیم اسکندریه فرمانروای آنجا عهدنامه ای را با فاتحین مسلمان امضاء نمود که بر اساس آن سکنه اسکندریه حق داشتند در مدت یازده ماه از تاریخ انعقاد قرارداد تا ورود فاتحین به اسکندریه حق نقل و انتقال اموال خود را از اسکندریه داشته باشند و بنابراین می توانستند در این مدت کتابخانه را بجای دیگری منتقل نمایند.

۸- داستان سوختن کتابخانه اسکندریه شباهت فراوان به داستان سوختن کتابخانه فارس در ایران دارد و از آن جا که این داستان نیز بنوبه خود از معمولات است معمول بودن داستان سوزانیدن کتابخانه اسکندریه را نیز می نماید^۲.

۹- حوزه علمی اسکندریه تا یکصد سال پس از اسلام به فعالیت خود ادامه و این ادامه فعالیت علمی حکایت از استمرار فعالیت این حوزه در دوره اسلامی دارد و نشان می دهد که نه تنها مسلمانان حوزه علمی اسکندریه را نابود نمودند بلکه مورد توجه نیز بود.

۱۰- عدم توافق و هماهنگی این داستان با روح علمی اسلام که همواره به کتاب، کتابخانه، علم و علما احترام می گذارد. بررسی مختصر قرآن نشان می دهد

۱- ابن الندیم، الفهرست، چاپ مصر ص ۴۳۰.

۲- در مورد جعلی بودن داستان سوختن کتابخانه فارس ایران رجوع شود به تاریخ

علوم تقی زاده.

که توجه به علم و علما و تعلیم و تعلم از مهمترین موضوعاتی است که در آن بررسی شده است و همچنین بررسی احادیث و اصول سنت اسلام حکایت از توجه عمیق، مستمر، و وسیع اسلام به علم و عالم و تعلیم و تعلم دارد. این روح هرگز نمی‌توانست اجازه دهد که مسلمانان با کتاب و کتابخانه همان رفتاری را نمایند که مثلاً مغول با عالم اسلام و یامسیحیت با اسلام و علوم اسلامی در اسپانیا نمود^۱.

از آن چه گفته شد می‌توان استفاده نمود که يك سلسله شایعات و اتهامات از انواع مختلف، بعد از قرن ششم هجری و پس از شکست صلیبیون در جنگهای صلیبی و آتش زدن کتابخانه‌ها و پس از غروب اسلام در اندلس و ویران شدن مراکز علمی، مساجد و کتابخانه‌ها بدست مسیحیان نسبت به اسلام رواج یافت که از جمله شایعه سوزاندن کتابهای ایران و اسکندریه بدست عرب و مسلمین است که بقول یکی از محققین مأخذ معتبر و اساسی قدیمتر نداشته و ظاهراً مأخذی قبل از قرن ششم هجری ندارد. این موضوع نیز مانند صدها منقولات جاری در افواه است که قرن‌ها مثل مسلمات نقل و تکرار شده و کمتر کسی در مقام تحقیق اساسی آنها برآمده تا مأخذ اصلی را بدست آورد و دست و سست و موهوم یا مجعول بودن آنها را کشف نماید^۲ و بعضی از افراد نیز بعلت اغراض خاصی که داشته‌اند بدون تحقیق به تکرار

۱- موضوع علاقه مسلمانان به کتاب و در نتیجه تأسیس کتابخانه‌های مختلف و متنوع بوسیله مسلمانان خود موضوعی است که کتابهای متعدد درباره آن نوشته شده است و بهتر است برای بررسی مفصل آن رجوع شود به: محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام، مؤسسه الرساله ۱۹۷۰ م. ر. مالینسن کتب و کتابخانه‌های عربی در عهد اموی در مجله امریکائی زبان و ادبیات سامی بشماره ۵۲ (تموز ۱۹۳۶).

۲- سید حسن تقی‌زاده. تاریخ علوم، فصل اول، در مقالات و بررسیها، نشریه دانشکده

الهیات دفتر دوم ۱۳۴۹.

آنها مبادرت نموده‌اند و دلیل قانع کننده‌ای برای اثبات نظر خود ندارند^۱.

انواع مختلف کتابخانه در اسلام :

توجه مسلمانان به کتاب به عنوان مهمترین وسیله تعلیم و تربیت موجب پیدایش و گسترش کتابخانه‌های مختلف و متعدد در نقاط مختلف جهان اسلام گردید . مهمترین انواع کتابخانه‌ها در جهان اسلام عبارت بودند از :

۱- کتابخانه‌های شخصی و خصوصی . احتیاج مبرم محققین و دانشمندان اسلامی بکتاب موجب شد که آنان در درجه اول احتیاجات شخصی خود را با تأسیس کتابخانه شخصی رفع نمایند : الکندی فیلسوف معروف از افرادی است که به تأسیس کتابخانه شخصی معتبری شهرت یافت . این کتابخانه‌های شخصی در مواردی دارای کتابهای قیمتی و فراوان بودند: گفته شده که کتابهای کتابخانه شخصی صاحب بن عباد را بار چهار صد شتر تشکیل می‌داد^۲ . گاهی رقم کتابهای کتابخانه شخصی به هزارها می‌رسید^۳ . امراء ، حکام و وزراء نیز به جمع آوری کتاب و تأسیس کتابخانه علاقمند بودند زیرا اولادین وسیله احتیاجات علمی شخصی خود را رفع می‌نمودند ثانیاً توجه علما و دانشمندان را بخود جلب می‌کردند و ثالثاً در نظر عامه به علم و فضل شهرت می‌یافتند . خلفا و سلاطین نیز دارای کتابخانه‌های شخصی معتبر بودند .

۲- کتابخانه‌های عمومی : کتابخانه‌های عمومی که در حقیقت میزان توجه عموم به کتاب و معیار سطح فرهنگ و تمدن عامه است در اسلام با سرعت روبه‌رونی نهاد بطوریکه گاهی در شهرهای درجه ۲ و ۳ کتابخانه‌های معتبر وجود داشت : در

۱- ذبیح صفا ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی چاپ سوم ص ۳۳ .

۲- یافوت حموی ، معجم الادباء ج ۶ ص ۲۸۵ .

۳- ابن الاثیر ، الکامل فی التاریخ قاهره ۱۳۵۳ هج ۷ ص ۲۶-۲۷ .

زمان یاقوت حموی کتابخانه شهر ساوه به اندازه‌ای بزرگ و معتبر بود که وقتی امین‌الدوله بن التلمیذ (پزشک متوفی ۵۶۶ هـ) از آن دیدن کرد عظمت کتابخانه، وی را به تعجب آورد و بالبداهه قطعه شعری در مدح آن سرود^۱. در شهر رام هرمز در ساحل خلیج فارس کتابخانه‌ای بدست ابو علی بن سوار یکی از اطرافیان عضدالدوله بویه (متوفی ۳۷۲) تأسیس شد که دارای عظمت فراوان بود^۲. از وجود کتابخانه‌های معتبر در این شهرهای توان به عظمت کتابخانه‌های عمومی مراکز معتبر علمی مانند بغداد، مصر، اندلس، مرو و سایر مراکز پی برد. تعداد کتابهای کتابخانه‌های عمومی در مواردی به «هزار هزار» و بیشتر بالغ می‌گردید^۳. کتابخانه‌های عمومی که دارای صدها هزار کتاب بودند در سرزمینهای اسلامی فراوان بود^۴.

در بعضی موارد بعثت عظمت کتابخانه‌های عمومی اداره و نگهداری آنها دارای تشکیلات وسیع بود و سرپرستی آنها را دانشمندان مشهور بعهده داشتند: ابن مسکویه مورخ مشهور و صاحب کتاب تجارب‌الامم سمت کتابداری کتابخانه عضدالدوله و ابن‌الحمید را بعهده داشت^۵. سید مرتضی سرپرست کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد بود. ابو یوسف اسفراینی (متوفی ۴۹۸) سرپرست کتابخانه

۱- ابن ابی اصیبعه، عیون‌الانباء ج ۲ ص ۲۹۳.

۲- میتزارد، تمدن اسلام در قرن چهارم هجری ج ۱ ص ۲۴۴.

۳- مقریزی، خطط، ج ۲ ص ۲۵۲، قاهره ۱۹۶۷ م.

۴- لستانی، دائرةالمعارف، ج ۱۱ ص ۲۴۳: ابن‌القوطی، تلخیص‌مجمع‌الاداب،

دمشق وزارت فرهنگ ۲۸.

۵- ابن خلکان، وفيات‌الاعیان ج ۳ ص ۸.

نظامیه بغداد بود^۱. ابن الفوطی مؤلف (مجمع الاداب) و (الحوادث الجامعه) نیز سرپرستی کتابخانه مستنصریه را برعهده داشت^۲. ازاینکه سرپرستی کتابخانه‌ها را چنین دانشمندانی برعهده داشتند می‌توان بر اعتبار وعظمت آنان قضاوت نمود. تشکیلات وسیع بعضی کتابخانه‌ها نیز حکایت از عظمت و وسعت آنها می‌نماید. بعضی کتابخانه‌ها دارای سالن‌های مطالعه، سالن بحث و مناظره، خزاین کتاب، سالن موسیقی، و کلیه وسایل مطالعه و اسباب آسایش خاطر در هنگام مطالعه بودند^۳.

۳- کتابخانه‌های مؤسسات تحقیقاتی :

از آنجا که در تاریخ تعلیم و تعلم اسلامی يك سلسله مؤسسات تحقیقی بوجود آمد که کار و فعالیت آنها تنها تحقیق بود و یکی از مهمترین وسایل تحقیق، کتاب و کتابخانه بشمار میرود این مؤسسات کتابخانه‌های مخصوص تحقیقی برای رفع احتیاجات خود تأسیس نمودند. بعضی از این مؤسسات عبارت بودند از مؤسسه تحقیقی « بیت الحکمه » بغداد، مؤسسه « دارالعلم یا دارالحکمه مصر » رصد خانه مراغه و مانند این مؤسسات که در نقاط مختلف جهان اسلام متعدد بودند مخصوصاً در مراکز علمی اندلس.

در مورد بیت الحکمه که بوسیله هارون الرشید تأسیس و بوسیله مأمون گسترش یافت مطالب فراوان است. آن چه بطور مختصر در باره آن می‌توان در اینجا ذکر کرد آن است که این مؤسسه يك آکادمی علمی بمعنی دقیق آموزشی بود و کتابخانه آن از هر نظر يك کتابخانه نمونه علمی بشمار می‌رفت که کتابهای

۱- یاقوت معجم الادباء ج ۱۷، ص ۲۳۷.

۲- معروف، ناجی، تاریخ علماء المستنصریه ۲۹۶-۲۹۷.

۳- محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام ص ۱۴۹.

لازم آن از نقاط مختلف جهان جمع آوری شده بود. سرپرستی کتابخانه بیت الحکمه را افضل ابن نوبخت و یوحنا بن ماسویه مترجمین معروف در زمان هارون الرشید برعهده داشتند و سپس در زمان مأمون سرپرستی آن را حنین بن اسحق، یوحنا بن بطریق و دیگران بعده داشتند و در مواردی خود این افراد مأموریتهایی را در مورد جمع آوری کتب اختصاصی از نقاط مختلف جهان انجام می دادند^۱. در مورد کتابخانه «دارالحکمه» قاهره نیز مطالب فراوان است. این آکادمی در روز شنبه دهم جمادی الاخر سال ۳۹۵ هجری افتتاح شد و از مراکز تحقیقی معتبر جهان اسلام بلکه جهان آن روز بشمار می آمد. کیفیت اداره این آکادمی و کتابخانه آن و کمیت کارکنان و کتابهای آن فوق العاده شگفت انگیز است. کتابخانه این آکادمی دارای بخشهای اختصاصی متعدد بود. بخش های کتب حقوقی، تفسیر و قرآن، نجوم و هیئت، نحو و زبان و ادبیات، پزشکی و بخشهای دیگر^۲.

بیشتر کتابهای کتابخانه آکادمی تحقیقاتی مراغه را (رصدخانه مراغه) کتب اختصاصی هیئت نجوم و علوم مربوط به آنها تشکیل می داد. گفته شده است در این کتابخانه چهارصد هزار کتاب وجود داشت^۳. آنچه در باره کتابخانه و آکادمی (رصدخانه) مراغه جالب توجه است و آن را از مؤسسات تحقیقاتی دیگر اسلامی ممتاز می نماید آن است که این آکادمی پس از حمله مغول به جهان اسلام و در دوران رکود آموزش اسلامی تأسیس شد و بوسیله مغول تحت سرپرستی نصیرالدین محمد طوسی تأسیس گردید. در حقیقت تأسیس رصدخانه مراغه و کتابخانه معتبر آن

۱- ابن جلجل، طبقات الاطباء ص ۶۷، محمد ماهر حماده المکتبات فی الاسلام

ص ۶۲-۶۳.

۲- محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام ص ۱۰۱.

۳- ابن الفوطی، الحودث الجامعه ص ۳۵۰.

و جمع آوری دانشمندان در آنجا بمنظور تحقیق بوسیله مغول یکی از معجزات علمی اسلام است و نشان می‌دهد که چگونه مغول که یکی از وحشی‌ترین اقوام بودند و در ابتدا مراکز علمی اسلامی را با خاک یکسان نمودند به زودی شیفته اسلام شده و حتی به نشر علوم در اسلام علاقمند گردیدند. این واقعه در حقیقت می‌تواند یکی از گواه‌های اصل خدمات متقابل اسلام و ایران نیز بشمار آید زیرا مغول در پرتو اسلام موفق شدند این خدمت علمی بزرگ را در ایران انجام دهند و مجدداً به احیای معارف اسلام و تمدن ایران اقدام نمایند.

مطالب فراوان جالب در مورد این آکادمی و کتابخانه آن وجود دارد که بیان آنها از گنجایش این کتاب خارج است. محققین علاقمند می‌توانند برای کسب اطلاع بیشتر به کتب مربوط مراجعه نمایند. بهر صورت کتابخانه و رصدخانه مراغه به قول ذهبی در تذکره الخطاط یکی از دو کتابخانه معتبر جهان در زمان خود بود^۱ و ابن الفوطی مورخ مشهور و مؤلف کتب متعدد از جمله الحوادث الجامعة سرپرستی آن را بعهده داشت^۲.

۴- کتابخانه‌های مدارس و مراکز آموزشی :

بررسی تاریخ پیدایش مدارس و جدا شدن مراکز علمی از مساجد خود احتیاج بوقت و فرصت فراوان دارد قضاوت در مورد فراوانی تعداد مدارس و مراکز علمی آموزشی در اسلام را که خود از بدیهیات فرهنگ و تمدن اسلامی است بعهده خواننده محقق واگذار می‌نمائیم. آنچه را که در اینجا ضروری می‌دانیم آنست که گفته شود چون تعلیم و تعلم بدون کتاب و کتابخانه امکان نداشت طبعاً مدارس و مراکز آموزشی اسلام همه و بدون استثناء دارای کتابخانه‌های معتبر بودند.

۱- معروف ناجی، تاریخ علماء المستنصریه ص ۲۷۰.

۲- محمد ماهر حماده المکتبات فی اسلام ص ۱۴۲.

مدرسه و مرکز علمی ساخته و تأسیس نمی گشت مگر آن که احتیاجات مربوط بکتاب و کتابخانه آن مرکز مورد توجه قرار می گرفت و رفع می شد . مطالعه و تأمل در باره مراکز علمی و آموزشی متعدد جهان اسلامی در بغداد ، ری ، نیشابور ، اصفهان طوس ، ماوراءالنهر ، نظامیه ها ، مستنصریه ها ، مدارس مصر ، اندلس ، سوریه ، عراق و ایران و مراجعه به مدارس علمی اسلامی که هنوز به فعالیت خود ادامه داده اند و بررسی کتابخانه های وسیع آنها می تواند ما را بوجود کتابخانه های معظم این مراکز در ادوار گذشته رهبری نماید . در مواردی در همان روز اول افتتاح مدرسه کتابخانه های آن نیز افتتاح می گردید ^۱ .

۵- کتابخانه های مؤسسات اختصاصی پزشکی :

توجه اسلام برفاه عمومی بطور کلی موجب توجه بوضع بیماران از صدر اسلام گردید . استعمال کلمه مارستان برای بیمارستان که يك کلمه فارسی است محتملاً حکایت از آن دارد که مسلمین از این نظر تحت تأثیر ایرانیان قرار گرفته مخصوصاً که تقریباً اولین قسمت از معارف اولیه که باسلام انتقال یافت کتب و علوم پزشکی و مقدار عظیمی از آن نیز از طریق دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور صورت گرفت . مسلم آن است که دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور دارای کتابخانه معتبری بود و بنابراین بعید نیست تأسیس کتابخانه در بیمارستان ها نیز از این طریق باسلام راه یافته باشد . بهر صورت پس از گسترش اسلام بیمارستانهائی در نقاط مختلف جهان اسلام تأسیس گردید . به عنوان نمونه می توان از بیمارستانهای ذیل نام برد :

بیمارستان عضدالدوله بویه در بغداد در قرن چهارم^۲ بیمارستان نورالدین شهید در دمشق در قرن ششم^۳ ، بیمارستان منصوری قاهره^۴ ، و بیمارستان قلادن در

۱- ابن الفوطی ، تلخیص مجمع الاداب ، دمشق ، وزارت فرهنگ ، ص ۲۸ .

۲ و ۳- محمد ماهر حماده ، المکتبات فی الاسلام ص ۱۴۵ .

۴- مقریزی خطط ، ج ۳ ص ۳۲۲ .

قاهره^۱. این بیمارستانها دارای کتابخانه‌های معتبری بودند. علت تأسیس کتابخانه در بیمارستانها از آن نظر بود که بیمارستانها نه تنها محل معالجه امراض و بیماران بودند بلکه محل آموزش علم پزشکی نیز بشمار می‌رفتند (و این خود حکایت از تمرین عملی در آموزش اسلامی دارد) و بنابراین دانشجویان احتیاج به کتاب و کتابخانه داشتند.

ع- کتابخانه‌های مساجد، مشاهد متبر که:

بدون شك همان طور که مساجد اولین مراکز علمی و آموزشی بموازات محل عبادت، در اسلام بودند و برای مدتها این موقعیت را به عنوان تنها مرکز علمی و آموزشی حفظ نمودند و بعداً نیز پس از تأسیس مراکز علمی و آموزشی خاصی مانند مدارس، آکادمیها، بموازات آنها موقعیت علمی و آموزشی خود را حفظ کردند، اولین محل جمع‌آوری کتاب نیز در اسلام بشمار می‌آیند. قبلاً یادآوری شد که قرآن‌ها ابتدا در مساجد حفظ و نگهداری می‌گردید و سپس کتب دیگر. در این مورد قبلاً در قسمت مربوط به وقف کتاب مطالبی ایراد گردید که از تکرار آن خودداری می‌شود. نمونه‌های کتابخانه‌های معتبر مساجد معظم را می‌توان در کتابخانه مسجد بنی امیه دمشق، و مساجد بزرگ طلیطله، قرطبه، غرناطه در اندلس که مورد استفاده مسیحیان و اروپائیان نیز قرار می‌گرفته دانست. پس از مساجد مشاهد متبر که مانند کتابخانه مسجد النبی در مدینه، کتابخانه آستان قدس رضوی را نیز می‌توان نام برد. محتملاً کمتر محل زیارت عمومی بود که دارای کتابخانه معتبر نباشد. در بعضی موارد مقابر بزرگان دین در شهرهای کوچک نیز دارای کتابخانه بودند، مراکز دینی تجمع فرقه‌ها و سلسله‌های مختلف نیز دارای کتابخانه بودند، مانند خانقاه‌ها، زاویه‌ها و غیره.

پایان

۱- فنسک، دایره المعارف اسلامی لندن، بریل، ج ۳ ص ۳۶۱